

مشوره با سایر دول بهیچ وجه تبدیل مواد عهدنامه (برلن) را منظور نخواهد نمود

§ (سر ادوردگری) اظهار داشته که عقیده وی ایست که هیچگونه در امنیت اروپا خللی واقع نخواهد شد، ولی این واقعات مورث خلل در نظم سلطنت عثمانی باسول مشروطیت تواند گردید اگر او را مجبوره جنگ نمایند، و حال آنکه ناکفون با کمال امنیت و مسالمت کارروائی کرده، دولت انگلیس دولت عثمانی را مطمئن خواهد ساخت که اگر هم در عهدنامه (برلن) ترمیمی شود حقوق عثمانی را از هرجهت ملاحظه خواهد داشت (مستر اسکویت) رئیس الوزرای انگلستان همدردی خود را بر انتظام جدیده حالیه عثمانی ظاهر کرده، بیان نموده است که ترمیم در عهدنامه برلن فتور در انتظام حالیه عثمانی خواهد انداخت، و هم چنین (آستریا) و (بلژریا) دول دیگر هم دست اندازی و رخته در ممالک عثمانی خواهند کرد، و اگر شا باشد عهدنامه (برلن) ترمیم شود فقط بر یک ماده میتواند بود

§ (مسیو اسوالسکی) وزیر خارجه روس درباریس اظهار داشته که کاهربس دول غور رمشله باوانس جنگ دول متنازع اگر هم جنگ واقع شود خواهد نمود، و شك نیست اتفاق آراء حاصل خواهد شد § در بلگرید دارالاماره سروبا اعلانی صادر شده که عرصب آن حکومت سروبا از دول اروپا طلب اصراف و همراهی گردیده و خواهش نموده است در مطالب و دطوی او غور کرده هرچیز که اصیت داشته برقرار دارند، و ره بابد تاوان حیات آزادی به سروبا داده شود § تلگرافی از (سیتنجی) دارالاماره (ماتی نگر) رسیده که برنس والی (ماتی نگر) اعلانی اشاعت داده که آتی به فصل عهدنامه برلن که راجع به اضرش آستریا در (ماتی نگر) هست باندی خواهد نمود

§ امپراطور آستریا در مجلس افتتاحی مجلس شورای ملی در جواب تبئیت نامه و کلا اظهار داشته که اراده دولت این نیست که وسعت در مملکت دهد اثبات این نکته از ترك (نوی بازار) ظاهر می شود که حقوق دولت عثمانی را هماره مد نظر خواهد داشت، و از اجزاء مجلس خواهش نموده است که در قاه امنیت بر او و همرا مصارف و لوازم جنگی را باید منظور دارند

§ در (سیتنجی) دارالاماره (ماتی نگر) دربرور شورش عظیمی شده، جنگ با آستریا را تا اواز بلند میخواستند و لفظ همین به آوار بگوش میرید بمریکی منظور شد که باید از گنجه چشم پوشیده کارروائی

و همراهی با سروبا نمود.

§ ارحالات کریت، و سروبا، و (ماتی نگر) ظاهر می شود که شعله فساد در بالکان آن بآن پیش میشود

§ تلگرافی که از روم رسیده ظاهر میدرد که پیش از وقت دولت ایتالیا از اراده آستریا آگاه بود که آزادی «ماتی نگر» و سلب اختیارات آستریا را از آن شك تدارك دیده بود

(۱۳ رمضان - ۹ اکتوبر)

§ چهارجهاز جنگی زره پوش انگلیس و چهارروزار و چهار موشك امروز عصر تحت فرمان ششاهزاده (اویس مانچیک) از (مالتا) حرکت نمود، چهارت دیگر هم در بندرگاه موجود و مستعد حرکت اند، رسماً معلوم می شود که این چهارت برای نگاهداری امنیت و نگرانی واقعات بالکان رفته اند

§ حقوق اهالی سروبا کم دارد تبدیل برمی می شود § باینندگان دول در جزیره (کریت) رسماً اعتراض نموده اند کمیسیون انتظامیه که اظهار الحاق (کریت) را به یونان اشاعت داده است

§ باسالی رسماً یادشقی به تمام دول فرستاده اصراف بر الحاق آستریا ایات (بوسینیا) را نموده، و خواهش می باید بای بندی دول را بر عهدنامه برلن

§ دولت آستریا اعتراضات رسمیه سروبا را بر (بوسینیا) مهمند ظاهر داشته میگوید سروبا را هیچ گونه حق اعتراضی درین موضوع میباشد

(۵۴ رمضان - ۵۰ اکتوبر)

§ افواه است که دسته چهارت جنگی انگلیس که از (مالتا) حرکت نموده در آبنای (ایجن) رفته که نگرانی از حرکات تازه یونان در مسئله کریت داشته باشد چنانچه در سال (۱۸۹۷) مسیبه هم دولت انگلیس چنین اقدامی نموده بود

§ (پرس فر دیتند) که در اطراف بانسار گردش می نماید برای ساعتی چند در (فابایی) وارد شده در کلیسیای بزرگ برای عبادت رفته است

§ در بلگرید خبر رسیده که در (استنگ) جماعتی بر قونساخانه آستریا حمله نموده در و بجزیره آن را شکسته اند

§ دولت آلمان بدولت عثمانی ایتان داده که از حرکات بلغار و آستریا امداد مسبوق نبوده، و قبل از اینکه حرکاتشان ظاهر شود اطلاع ندانست است البته مخالفت بلغار تعجب حیز و درد انگیز است

§ در (اسکوپینا) اهالی در خارج مهارت سلطنتی جمع شده صداها را بچنگ جنگ بلند نموده نمره

میکشوند صدر اعظم اظهار داشته که کار بمقام ازکی کشیده مشکل است جلوگیری شود

§ سفیر عثمانی منبع لندن اظهار داشته که تمام ملت ترکیه از توجهات دوستانه دولت انگلیس و ملت انگلستان متعریف اند، باغبار و آستریا حرکات مضرت بخش در حق عثمانی نموده و بدست آورده اند، دولت عثمانی تا وقتی که شتمات سلطنتی او و اعزازات قومی آن را ضرری وارد نشود در رفع این غائلات با آرامی و صلح جوئی پیش خواهند آمد، و اگر کار از اعتدال نگذرد آنها نیز وظائف لازمه خود اقدام خواهند نمود (۱۰ رمضان - ۱۱ اکتوبر)

§ دولت انگلیس بدوات بوسنیاء اطلاع داده که هیچ گونه وعده در خصوص جزیره کریت نمیتواند باو بدهد تا وقتی که انقلابات بالکان رفع نشود

§ در مقابل جوش و خروش اهالی سرویا برخلاف آستریا و آلمانکی مات، سرویا با آستریا جواب داده که بین تدارکات برای حفظ امنیت داخله است

§ سفیر آلمان در اسلامبول اطمینان داده است که دوات آلمان از حرکات بلغار و آستریا مطلع نبوده، فرض سفیر ازین ایقان کم نمودن قدرت عثمانیان از آلمان است § دوات ایتالی عدلاً طرفدار روس در انعقاد کافراس بین الدولی است در رفع مناقشات بالکان

§ دوات بوسنیاء از دولت انگلیس و فرانس و ایتالی خواهش نموده است که در کافراس بین الدولی نمایندگان دول اول باید مسئله الحاق کریت را به بوسنیاء موضوع بحث قرار دهند و سپس در کافراس مسئله بلغار و بوسنیاء هم موضوع بحث آید

§ تلگرافی از (بوداپست) دارالایله هنگری رسیده که (بارن وان آرستول) ضمن تعلق خود اظهار داشته که دولت سرویا هر زمان استقامت خود کامل باید دولت آستریا دوستی خود را نسبت باو ظاهر خواهد نمود، حالام آستریا با کمال هوشتیاری مراعات از مقتضیات سرویا میباشد، و هیچ وقت گرفتگی بر حرکات اهالی سرویا منبایب بوسنیاء و هر دیگر بوسنیاء نخواهد نمود

• • •

از سوق تلگرافات واجبه و اغلامات بالکان چنان مستفاد می شود که محرك این واقعات اگرچه بظاهر بلغار بوده، ولی بشور و صلاح آستریا و تأییدات سری آلمان شده است، چه از بدو مشروطیت عثمانیان در ماطن از دوستی آلمان منحرف، و روی خاطر را با انگلیسان نموده اند، نقشه انقلابات بالکان بعضی سخت گیری به ترکی و

توسل بدوستی آلمان است، چه اگر عثمانی ترک اتحاد با آلمان گفته و دست دوستی با انگلیس دهد تمام نقشه پلنیک آلمان که در پیشرفت مقاصد پلنیک خود کشیده بود باطل می شود روسها نیز درین انقلاب جالب منافع خویش و شکست عهدنامه برلین را برای آزادی عبور جبهات جنگی خود در بوقاز دارندلز خواستگاران ازین رو میتوان گفت محرك بوسنیاء در الحاق جزیره کریت باطناً روس است و بعضی مقاصد پلنیک هم روسها در خصوص جزیره کریت ساهمات داشته و دارند و در واقع آمدن کریت بقبضه بوسنیاء تا درجه مثل آن است که به تصرف روس آمده باشد

بالجمله آثار این مناقشه پس از ورود پرنس فردینند در ویاه شد و قبل از این واقعات هم وزیر خارجه روس دور افتاده در پای تختهای دول براسیله تصدیقه مسئله بالکان و پیشرفت مقاصد دولت متبوعه خویش کوشش می نماید، در واقع نام را حریف از آن است که عثمانی پس از مشروطیت حقوق ثابت خویش را بر اطارات و ایالات بالکان مسلط دارد و بخواهد این است که قبل از مرگ هم بشود اقتدار و معنی پلنیک هم همین است

اعتراض بلغار این نکته است که از قبل معاهده (برلین) دوات عثمانی با کبانی راه آهن آستریا که موسوم به (اوربنتل) است فرار و مداری داده بود، خط آهن کبانی مذکور از بوداپست که دارالایله هنگری است که شروع شده از وسط سرویا گذشته به باقاریا رسیده و یک حصه از عرض بلغار را بوردیده ارسوفیا که دارالایله است گذشته تا منتهی به مرحد میگردد، و خط دیگر در طول باغبار کشیده شده است، عرضاً این خط از مرحد بانسار مادریا بویل کشیده و منتهی می شود تا اسلامبول و ر آنجا به مقدویا و نیوارار و از وسط یالت بوسنیاء میگذرد

در معاهده برلین مرشد هر معاهده را که دوات عثمانی درباره بلغار با دول نموده و قرار و مدارها را که با کبانی راه آهن داده همان وضع برقرار ماند، ولی محاسبات کبانی در خصوص صدمات مالی و غیره من بعد با اطارت بلغار آمده در حقیقت این راه آهن در محالک ترکیه تحت مراقبت افسران عثمانی و نظامش با کبانی است، چون اطارت بلغار هم تا کنون در حریطه عثمانی شامل است مراقبت این راه آهن در خطک بلغار نیز با افسران عثمانی است، این مسئله سابق هم چند نوبت موضوع بحث و اختلاف شده، بلغاریان خواستند مراقبت عثمانی را از خط راه آهن داخل

خاک خود مرتفع دارند. ولی از آن راهیکه از روی معاهده برلن رومی بدستشان نیامد هاتشم تاقی و برقرار ماده طاقیت خواهمش شده. تا آغاز مشروطیت عثمانی که جوانان ترك بحسب معاهده برلن از آستریا خواهش نمودند که چون امروزه عثمانی مقتدر بر حفظ امنیت طرق و محافظه مال و جان طبرین ایالت سیو بارار هست آستریا باید محافظین و قراولچه های خود را از سیو بارار بردارد. آستریا را چون چاره نماید تسلیم شد و آبراهیکه در آینده از ایالت (بوسینیا) و (هرزیگووینا) نیز حریف ناک بود صکه مبادا عثمانی دعوی حقیقت نامه خلوتش واپس نماید. مصمم در انقلاب مانگان و برهم زدن عهدنامه برلن گردید. این بود که بلغاریا را بدعوی باطله قدیم مستعد ساخته راه آهن را از مراقبت افسران عثمانی و انتظام کپانی خارج نموده متصرف شدند. همین که مسئله راه آهن و مخالفت عثمانی و بلغار و اعتراض کپانی بالا گرفت. دولت آستریا نیز از یکطرف رها اعلان قبول تکالیف عثمانی را در نیو بارار نمود. و از طرف دیگر اصدار فرمان در لطف (بوسینیا) و (هرزیگووینا) داد که این دو ایالت را رسماً جزء سلطنت آستریا قرار دهد

بوسینیا و هرزیگووینا دو ایالتند که بعد از جنگ روس و عثمانی در معاهده برلن چنین قرار یافت که تحت اداره آستریا انتظام پذیرد. اینکه ملک آستریا باشد. این حرارت آستریا که عملاً مخالف با معاهده برلن بود از یک طرف سبب حسارت بلغار شده بدعوی استقلال برخاست. و از طرف دیگر به تحریک روس بومان به الحاق جزیره کریت مصمم گردیده و بدعوی برخاست و امارت سرویا نیز از الحاق بوسینیا و ماتی نگر و از الحاق هرزیگووینا برخلاف آستریا سخن در میان آوردند چه اثرات سرویا در بوسینیا و اثرات ماتی نگر و بر هرزیگووینا بواسطه قرب حواریتیش از آستریاست و مخالفت های شدید و جنگ های خفیف هم چندبوت درین موضوع نموده طاقیت در عهدنامه برلن سر برستی آستریا بر آن دو ایالت قائم گردید. حال که آستریا دعوی الحاق نموده از یک طرف عثمانی از طرف دیگر سرویا و ماتی نگر و مدعی باستریا شده اند

همین که بدقت اطراف این مناقشات را ملاحظه نمائیم تسلیم خواهیم نمود که قبل از وقت دست بعضی از دول درین انقلاب شریک بوده و کلیات امر بمشوره شده است نام این انقلابات که يك قرن آرام گرفت بواسطه

بای بندی بمعاهده برلن بود. اینک برخی از دول خاصه روس مصمم شده اند که آلف عهدنامه را برهم زده انقلابات مانگان را از سر گیرند. تا عثمانی خرافت مال نتواند در عمل مشروطیت خود بشیرفت نماید. این است که از يك گوشه صدای روس هم بلند گردیده که اگر يك بند از معاهده برلن برهم خورده او نیز بای بند ماده واجبه ندارد نگر نخواهد بود. و با حدی تمام دول را دعوت يك کافر س در زمردن عهدنامه برلن میدیاند ازین بیانات ظاهر می شود که طرف غالب دول امضا کننده برلن «مذوق اند که کافر س میمند شده عهد نامه برلن را تغییر دهند یا بعضی از مواد آنرا تبدیل. هیچ لارم به توضیح و بیان نیست دولیکه بخواهند معاهده برلن را برهم رهند حال منافع خویش را از عثمانی طلب اند انگلیس اظهار میدارد تا حاییکه تبدیل مواد عهدنامه برلن مصر محل عثمانی باشد در عیوش حاضر است. عثمانی را میگویند سکوت و تحمل ما تا وقتی است که رحمت دولت و حقوق ملت ما لطمه واقع نیاید. است که خریف جنگ عظیم و ترانس د است روپا می رود. این است که دولت ما است. بار انگلس قبل از وقت چهارات جنگ خود در ایسای (ایچین) فرساده دست پیش که زوال ندارد از دست داده است

آنچه محقق است اعداد کافر س بن لدرالی خواهد شد. و هیچ عرضی هم در انعقاد این کافر س نخواهد بود جز صبیح بعضی از حقوق عثمانی. مسلم است که عثمانی هم در بار نخواهد رفت لغز متوار نتیجه این کافر س را يك جنگ عطی می تصور نمود.

مهر است درین جنگ که رکن دکن آن آستریاست آمارا معری جز حماه او نیست. و انگلس هم درین موقع اهم سیاسی که ممکن است بعضی حده و عطیمة بلدیکنان صبیح شود طرفداری از عثمانی را مانع نیست خود خواهد داشت اگر روسها درین کپرو دار طرف مانند و شریک جنگ شدند البته رای رایان حالی از خطر نیست و اگر روس هم جابجه در آن شاهد است مبتلای بجنگ شد ایران را آسایشی کامل دست خواهد داد. ولی فعلاً تا کافر س مسدود جنگ نشود یا صبح از هم مهمانی بیکو بری اوانیاز است. یعنی روس عبور است که تمام حواس خود را واضح به مانگان داشته باشد تا حربین چایک دستگویی را از میدانش برابند و اگر ارایسها هوشیار اند همین فرصت هم برای ایشان غنیمت است

مستبدین در استیصالشان بر همه مکشوف و البوم اطانت آن برادران غیور و مدد مالی و جانی و استعداد رسانیدن بایشان بمنزله اطانت مجاهدین در رکاب اقدس نبوی صلوات الله علیه است، همت کنید و غیرت دینی خود را ظاهر و اسلام را نصرت نماید انشاء الله تعالی

(علاء نجف اشرف)

عبدالله لائذرائی

محمد کاظم الخراسانی

محمد حسین نجف میرزا خلیل طهرانی

« جبل اللین »

با این امر ایجابی و فرمان واجب الاطاعت پیشوایان دینی و مقتدیان مسلمین مقام سکوت و درنگ بر احدی از شیعیان داخله و خارجه بل كافة مسلمین باقی نمانده. پس از اشاعه این حکم هر يك از ایرانیان راست که قدر مقدور تسامح در ادای وجه امانه برای مجاهدین آذربایجان نمایند هر کس تسامح کند نه تنها چشم از ملیت خود پوشیده بلکه صرف نظر از دیانت حقه اسلام هم کرده است. ما فهرست معاونین کلکته را آینده می نویسیم و امیدواریم تجار هبشی و سایر ایرانیان مقیمین خارجه هم بذل توجه مخصوص به نمایند. ما از ایرانیان غیور خیر دین دار رنگون که در يك نشست هشتصد روپیه وجه امانه جمع نموده اند منشر و منتظریم فهرست اسامی ایشان برسد که بعضی تشویق سایرین درج در جبل اللین نمایم. و از ایشان خواهش میکنیم که انجمنی خاص منعقد نموده دفتر امانه رسماً باز کرده و جد و جهد نمایند که بهر وسیله ممکن شود توجه سایرین را هم باین افضل الخیرات مبذول دارند هیئت انجمن خیریه کلکته مشغول بکار و عنقریب نتیجه آن ظاهر خواهد گردید

محمد بذل توجه علما و تجار و کسبه و انجمن وطن خواهان ایرانی هبشی را در تشکیل هیئت خیریه و باز نمودن دفتر امانه استعاضاً می نمایم با این حکم محکم و امر واجب الاتباع حجج اسلامیه دیگر غریب و تشویق خارجی لازم نیست

(برگ عیشی بگور خویش فرست)

(کس نیارد ز پس تو پیش فرست)

« ادای ذمه یا نرود »

شرحی که در شماره یازدهم موقری سال هفتم راجع به تغییر وکالت جهازات نجاری و حمل غرضه بر اجزاء کبستانی (هبشی پرشیا) از طریق یکی از

در هر صورت امروز بمنون در پیش آمد امور نیه بالکان رأی زده و تمسحه از او حاصل نموده چه مورد معاصد دول و طرفداری ایشان يك طرف معلوم نیست. همین قدر میتوان گفت انقلابات بالکان ممکن است يك تبدیل عطیسی در حریطه اروپا پیدا باید ولی در هر صورت اگر ایرانیان هوشیار باشند میتوانند درین گیرودار از چند راه حلب فائده نموده کام خود را از آب بکشند

« نتیجه محاصره تبریز »

« یورش مشروطین »

(شکست قاجار دولتیان)

(۱۶ رمضان)

عروس تبریز که خبر روتر از اسلامبول به لندن رسیده مشروطین تبریز بوم جمعه ۱۳ رمضان هجری بمبار سحقی بر دولتیان آورده آنان را شکست قاجار داده یکصد نفر از آنها را نیز قتل رسانیده اند

« جبل اللین »

خبر نه بیند کسیکه برای پیشرفت امراض شخصی این ملت فک زده را دوچار این مهالك خون ریزانه نموده اند. اسوس که قاتل و ممنول برادران ما بنده، نهایت یکی بحق می خنک دیگری به باطل یکی بدیانت تکبه کرده دیگری ترک دین گفته است

چنان تصور می شود که ازین و بعد دولتیان را تاب تحمل و درنگ در مقابل مشروطین تبریز نمانده باشد. چه موجب خطوط شخصی اداره ستارخان سپهسالار غیور ملی دارای ۲۵ هزار لشکر حرار است. علاوه ازین و بعد ورود هوا طبعاً قشون دولت را از دور تبریز متفرق خواهد ساخت. گذشته بر این عنقریب باینده اعظم رؤسای مذهب جعفری حجت الاسلام آقا میرزا سیدعلی داماد را با هیئت علمیه از نجف اشرف با احکام متمنه آیه الله نجف اشرف وارد تبریز خواهند شد میبایست از اثر فرمایشات ایشان بیروان کفر هم هدایت یافت بیخ روی برادران اسلامی خویش نکشند دولت گر شرایط مشروطین آذربایجان را قبول نماید سوره آذربایجان آزاد خواهد گردید

« فرمان واجب الاطاعة تلگرافی حجج »

« اسلامیه نجف اشرف مدظلالمهم »

(در خصوص اعانه تبریزیان)

« مقیمین ممالک محروسه عنانی و قاطبه قفقازیه وکل بلاد خارجه دام تأییداتهم شدت گرفتاری برادران ایاتی تبریز و اهتمام ظلمه

وقایع نگاران اداره مظفری رسیده و درج گردیده بود - مندرجات راجعه بسوء ظن درباره اجزاء کپان را بر حسب اطلاعات صحیحه که شخصاً حاصل نموده ایم ردید و اجزاء محترم (کپانی برشیا) را بصدقت و امانت میستانم

(م - علی آقا شیرازی مدیر مظفری بوشهر)

ترجمه از طمس بمبئی

جنگ مشروطین در تبریز با قشون شاه

(شکست قشون شاه فرار کردها)

وقایع نگار طمس لندن ۱۹ سنمر از تبریز تلگرافاً چنین خبر میدهد خوف این را دارم که فیصله مصالحه بدون جنگ در اغتشاشات تبریز صورت نگیرد - در حال تحریر سخت ترین جنگ ها که تا حال واقع شده بود در طرف جنوب شهر جاری است - عین الدوله عدد لشکر خود را به پنج شش هزار رسانیده امروز صبح شروع بحمله و شلیک و ترتیب را به وضع ایرانی با چهار توپ از طرف صبح برقرار داشته مذاکرات استقرار صلح کان ندارم منتج نتیجه واقع شود و پس قونسل انگلیس با کاه خیر خواهی در فیصله صلح اقدام نموده چهار نفر را که ۶۰ نفر از تجار معتبر تبریز انتخاب نموده بودند بوکالت همراه خود نزد عین الدوله برد عین الدوله بعد از گفتگو اظهار داشت به استقرار سلطنت مشروطه که برخلاف قرآن است موافقت نخواهم نمود چون سبب عمده مناقشه هم همین مطلب بود زیاده برین حد و حدود در باب مصالحه بی فکر دیده شد

حالا هر چه میخواهد پیش بیاید

نایب قونسل انگلیس در اتمامات لازمه فروگذار نکرد همراهی جنرال قونسل روس حاکم درین مورد متوقع بود نظر به کاررواییهای متعدده دولین در طهران به او رسید

شهرت دارد روز چهارشنبه گذشته قونسل جنرال روس قول داده بود که ترتیب عملی فباین عین الدوله و وکلای تبریز بدهد دبروز وقتی که تجار تبریز بجهت ختم این عمل نزد جنرال قونسل مذکور رفته بودند فانی و بی برده به آنها اظهار داشت که اگر در امر مذاکرات مصالحه بی نیایند دیگر

غیر از او در میان باشد او اقدام نخواهد نمود روز دیگر وقایع نگار مذکور تلگراف میباید جنگ دبروز ختم شد فتح ماتی ها و شکست دواپس سپه دار یا هر کس که ترتیب جنگ را میدارد در سرداری این ایام سهو قاحتی نموده اعتماد به حسه از آدم های خود نموده به مقصد روانه کرد با صد نفر سوارهای کرد که تازه وارد شده بودند با ۱۰ توپ از طرف جنوب به ستار خان حمله بردند و مدر دهندگ دیگر شاه از طرف مشرق متصل به محله عمود در آوردند

کردها زور آورده سعی حمله نموده تا ماتی ها را بریشان و آنها را ر سنگر های خود که در خارج بود راندند از طرف محله عمود نیز حمله آوردند زور آورده سنگر بعد سنگر را تصرف نموده رسیدند محاذی روزه های سنگر داخلی ستار خان

عاقبت الامر کردها در پیج و خم کوجهها سرگردان شدند بجاه نفرار آنها که کاروان سرای بزرگی را گرفته بودند تماماً از ضرب بم های قناترها که بجانب آنها مینداختند شکست خورده بقیه کردها باکال خوف و هراس حیر این مصیبت و محروم ماندن از فتوحات خود را به هم قطارانت خود برده اظهار طرت از ضرب ترکیدن بامب ها که به مذاق آنها خوش نیامده بود نموده تماماً بر پشت اسب های خود سوار و بطرف کردستان رهسپار شدند امروز خبر رسیده که آنها به صوفیان که ۲۵ میل دور از تبریز در راه سرحدی روس است رسیده اند سار حمله آوردندگان هم تاتی به کردها نموده عقب نشینند طرف عصر ستارخان قانع و صاحب میدان بود و ذخیره زیادی از فشنگ و غیره مان کردها به دست او افتاد

تلفات این جنگ از دو طرف زیاد است ستارخان قبول دارد که ۶۰ نفر از او کشته شده اند ۹ نفر از آن از اهل قهسازیه که غفله با حربه خود تلف شده اند تلفات دولتبان خیلی زیادتر است چرا که خیلی به سختی مغلوب شدند

مشروطین به فتح خود ایلیده و خوش وقت هستند بجهت خوشحالی از ارك چند تبر سلام انداختند دسته از انجمن آمده از من خواهش نمودند که

آنها را مخالفین با دولت خطاب نکند برای اینکه وقتی تلگرافات من در اخبارات قفقازیه ترجمه میشود امر بر آنها مشتبیه شده کارهای آنها را طور دیگر تصور خواهند نمود لهذا من بعد آنها ملتیان خطاب خواهند شد

بعد از شکست دولتیان در روز جمعه ۴ روز بعد او (وقایع نگار نمس) تلگراف میباید. دیگر حرات مهمی نشده اگرچه ملتیان مشغول به برطرف کردن محله کوچکی که در حکم روز جمعه طرفداری دولتیان را کرده بودند هستند در عین ظاهر نیست که بد داشت روس وانگلیس نمری محشیده باشد ممکن است که شاه چنین مصلحت داشته باشد که چند روز قبل از انقضای ۳ ماهه قولی که داده است فرمان اجرای آن را بدهد ولی اگر انتخابات بطوری که در طهران تدارک شده و مشروطیین تبرز بواسطه وقایع گران خود که در طهران دارند مطلع شده اند صورت گیرد مشکل است که صوبه آذربایجان و تبریز آن شروط برود و انتخاب جدید را قبول نماید

ازادی صوبه آذربایجان

اسماً

وقایع نگار مذکور میگوید - من امروز مجدداً اردوی عین الدوله را ملاحظه نمودم هنوز آن طوری است لشکر که است بجهت صدمه که وارد شده درم است، طبعه هارا شمرده قیابین ۵۰۰ الی ۶۰۰ طبعه است اقل باید شش هزار نفر باشند چادرها برآز آذوقه و علوفه بود ولی از سبب قشون معلوم میشد که حالت و دل و دماغ آن را بدارید که دوباره ممر که روز جمعه برآورد، ملتیان حالا خیلی امیدوارند تغییر هوا (که باعث ارت از پیش آمد سرمای سخت باشد) خود باعث خواهد شد که لشکر غیر منظم عین الدوله متفرق و پراکنده شود گر عین الدوله نتواند کار را به اصلاح بگذرد یا غالب بیاید میتوان بدون خوف در مدت کما صوبه آذربایجان را مارتی آزاد شمرد

(هول و هراس درباریان)

وقایع نگار طمس لندن ۱۳ ستمبر از طهران تلگراف میباید. باوجود اتهامات زیادی که درباریان در دستور داشتن یاد داشت روس و انگلیس نموده

بودند خبر مذکور حالا دریاخت منتشر شده و این خبر اثرات بزرگی که متصور بود بخشیده مخالفین را که حالا مقصدی امور ادارات دوائی هستند در هول و هراس انداخته. بدسلوکی و بدرفتاری درباریان فرد اهالی را متفرق ساخته حق دشمن هائیکه بزرگ مجلس امروز منتظر و چشم براه افتتاح پارلمان جدید هستند بواسطه مضمی از تجربیات که درین مدت حاصل نموده اند امید دارند که مجلس آزادی نامه پیدا خواهد نمود جماعتی از تجار و حزب آزادی طلبان در خفیه با کمال حد برضد مخالفین بجهت قیام شدن پارلمان مشغول کارروائی هستند. به نازه کی ۳ فقره پست و در طرف جنوب زده اند

خطر نخت و جان محمد علی میرزا

وقایع نگار نمس از سلت بطرزبورخ ۱۵ ستمبر چنین تلگراف مینماید بجهت من خبر رسیده که شاه در همین چند روزه اعلان خواهد داد بجهت انتخابات جدید و مجلس را منقذ خواهد نمود. و اگر نکند دولت روس چنین گمان مینماید که محمد علی نخت و جان خود را در خطر خواهد اداخت

تلگراف علمای اعلام به شاه

تلگراف روز همان روز (۱۵ ستمبر) از سلت بطرزبورخ میگوید. تلگراف ذیل از طهران به اینجا رسیده چند روز گذشته سواد تلگراف علماء که بجهت شاه رسیده به اطراف در شهرهای جنوب ایران در انتشار است تلگراف مذکور میگوید که بقای اسلام و دوات موقوف به مشروطه است و همین سبب بود که دولت عثمانی سلطنت خود را مشروطه قرار داد در ایران اگر چه شاه مرحوم دولت را مشروطه نمود ولی اینکه با وضع مملکت موافقت نکرد بطلت عدم پیش رفت آن کارهای مردمان خود غرض بود که خائن دین و دولت هستند سلطنت حالبه خطا مینماید و خود را در خطر می اندازد از اینکه حقوق مشروع مردم را که منتظر اند باید به آنها داد بدهد و همین مطلب باعث اغتشاشات شده جان و مال جمعی از مسلمانان تلف شد. در ختم تلگراف علماء از شاه میخواهند که هر چه زودتر ممکن است پارلمنت را برقرار نماید که فقط آن نگاهدار امنیت و قانون است

مکتوب يك از اجله علمای بوشهر

(که بعنوان جناب مدير مظهری رسیده)

اوضاع حایه ایران را بهیچوجه توضیح نمیتوان نمود کلبه تقاط از یکدیگر مفصل اخبارات موقوف ، ادعای منشوش ، هرج و مرج يك باره مملکت را فراگرفته (هر کسی را هوسی و سروکاری در پیش يك بندر معظم که بقایت طرف توجه و تصادم است تدریجاً حالت انقلاب و اغتشاش فوق التصوری بخود میگردد ولی باید دل خوش داشت که تا برایشان نشود کار سامان رسد

دریگی که مانع از حرکت مات و طرف رعایا می بود معزول حکومت بالاصلا بمنزله اوله برادر راده اصف الدوله واگذار ، وشجاع الممالک که درحالات خود مستغنی از تعریف است ، بیسایت حکومت بر سرکار است

دریگی ازخوف و ترس که از معزولی خود داشت بمجرد انتشار خبر عزل بسمت محرمه و بسیار گردیده هنوز در آمجاست و شاید هودش محکومت مقرر شود بایب الحکومه جدید اول مرتبه عمل راه دروازه و شبف را که باعث اغتشاش نموده مطرح قرار داد خشمیک خوانین عظام دشتی و دشتستان و انگلی و تسکستان و رود چله و براز خون و حیات داود و شبانکاره از بهم خوردن اساس مشروطیت داشتند ریداد یافته آنچه از قراین ظاهر میشود منتظر اقدامات آقایان علمای این سرحد میباشد

علماء هم فتاوی و احکامات حجج اسلام عنیات مرض درجات را در صدد اجری میباشند مگر از خود مانع دارد . چند روز است بعضی اوراق مهیبه در شهر منتشر میشود ومخالفین را تهدید بقتل مینمایند مبرهن است دست قبی در میان است نهایت تا بحال کسی اقدام نکرده و اگر یک نفر ستار خان نوعی از این طرف حرکت نماید عمل استبداد صاف است ، در اوراق منتشره نسبت بداهی هم بعضی اعتراضات کرده بودند در صورتیکه حال اینخادم شریعت واضح است که با کمال قناعت و ضعف بنیه همیشه در همراهی باسباب مشروطیت حاضر بوده ام ، مگر بعضی از آقایان

که محض احازه و سفارشات ایات الله فی الامام حجج اسلامیه در اینجا دارای فی الجمله رسوخ شده بد سرو ، یاقتضای صرفه شخصی فتاوی و احکامات حجج ر میخوانند زیر مسند نگذارند و نادیده انکارند

ولی محال است بتوانند مگر هرگاه در این مسئله بخوانند تخریب نمایند هر آینه در خرابی خود جهد کرده اند داعی بی نهایت از تضییع روح دبترسم و حق الله سی دارم مخالفین را موافقت بخوانم بلکه بموقت علمایه خوانین مطمئن شوی و تصرف ادارات بردردم حالا که وضع کارها خیلی منشوش است راه تمام ما امن است در شیراز بلواست در کارزون خوریندر درجه رسیده که نصف مخلوقش تپاه شده اند حاکم فارس يك پارچه امیب بیدر گشته مگر بکافر سردار حلو بقتد صکه تمام ملت عفتش باند شریک ،

وضع مملکت را بکوفت خود جناب عالی در نامه مظهری تشبیه شوی بر کرده فرموده و مخالفت خان السلطان را برای زکیدن آن بشراذ آتش حال مدتر از آنوقت است امروز هرکس از افراد ملت دیده میشوند مانند شوی بر کرده است و ملتظر شراره است بجزدیك يك فر باقیرت حلو بقتد تمام عصب او مستعد . مثلاً شاید شد که حضرت حجة الاسلام حاسی سید عبدالحمین لاری در صنعت لارستان استمدادی تدارک کرده و حداً برای استقرار مجلس طرف شیراز حرکت فرموده اد بجزد اشتهار خبر حرکت آقای معظمه از اطراف یابشان استمداد رسانید و گروهی ایبه همسکر ایشان پیوستند مبرهن است که با وضع حکومت آصف الدوله چه پیش خواهد آمد . آصف الدوله در محبوحه سلطه استبداد که اسمی از مشروطیت بوده نتوانست حکومت کند حالا معلوم است که با آن اشتهاریکه در وطن فروشی و ملت کشی داده چگونه تاب مقاومت خواهد آورد بیست را متصل دریایب و ذهاب درد میزند . در حقیقت دولتی در میان نماند و اسمی بلا رسم است از طرف رادرات غبور آذربایجان اخبارات خوب سموع میشود مگر طوری قطع رشته مختارات شده که عمده جهت اهالی از یخبری است ما اعمل امید است که بکفر ستار خان نوعی هم در جنوب بتوانیم تدارک کنیم که دست بدست ستار خان شمالی داده صدای

خوبی در مملکت را بشالیدان رساند بعد از رفتن دریایی
 هر صوبیکه . قانزد خودمطاب مقرر بود که عیناً
 موفق دستور العمل جناب عالی است داعی برایش
 صرف . رت خلیل کوشش کردم اهالی هم عموماً
 همراه بودند مگر مخالفت . . . و . . . طایق انجام
 کار گردید . و اگر امروز یک نفر از خوانین جلو بیفتند
 و آقایان علاوه تماماً همراه باشند میتوان بیشتر از یکصد
 هزار نفر قشون مجاهد ملی فقط از ایلات گرمسیر
 حرکت داد آنها در حالیکه دخل ادارات کفایت خرج
 آنها را میدهد علی السجانه که اوضاع خلیل خطرناک
 است نایب پیش آید (امضاء محفوظ)

نقل از اوراق منتشره قفقاز

هل من معین یمنی الاسلام

خطاب رسول الله

ای مردم ایران ای مایق که خود را مسلمان نامیده
 پیروی احکام خدا و فرستاده و برگزیده او محمد بن عبدالله
 علیه السلام را واجب دانسته مخالف او را خارج از اسلام
 میدانید . ای مردم اصفهان و شیراز . ای اهالی خراسان
 و کرمان . ای مردم بزد و کاشان . ای اهالی رشت
 و مازندران . ای مردم قزوین و زنجان . ای سکنه
 دهات و قصبات . ای عشایر و ایلات . ای کسانی که
 عنایه حده را جانشین پیامبر دانسته تقلید آنها را واجب
 میدانید خواهیید یا بیدارید کور و کر نیستید که اقدامات
 شما در حمایت شریعت مقدس اسلام ؟ کو اطاعت شما
 از احکام و اوامر حجج اسلام بجز اشرف ؟ مگر
 شما مردم محمد بدید احکام مطاع حجة الاسلام آقای
 حاج میرزا حسین طهرانی و آقای آخوند ملا محمد کاظم
 خراسانی و آقای شیخ عبدالله مازندران آدمای ظلم
 را که ثروت دستخط فرمودند به این مضمون وجود
 دره مشروطه و شویب مجلس شورای ملی و این اساس
 مقدس و حب و مخالفتش حرام و بمنزله محاربه با امام
 زمان علیه السلام است . کو تقویت شما از مشروطه
 کو مخالفت شما با مغرب او ؟ آیا تکلیف شرعی ملی شما
 حسب سائیت شما وجدان ابرائیت شما همین را اقتضا
 کرده و میکند که هیکل استبداد (محمد علی شاه) محض
 اجری اغراض نفسانی و نظر به القاء چند تن الواط

درباری که مرک از انحصار رذل لا ابالیند مجلس
 ملی را با توپ منهدم ساخته جیبی بی گناه را بدون
 محاکمه و استنطاق به اسوه حال مقتول سازد و شاهها
 دست بالای دست گذارده نماند کنید آیا سکوت شما
 تقویت از ظالم غدار نیست پس چیست آیا به گفتن
 لفظ با چه تمام مسئولیت از شما مرتفع است بجه دلیل
 تقویت از مشروطیت نمیکند ؟
 به کدام علت سکوت را که حمایت از مستبدین
 است اختیار کرده اید ؟

همین مستبدین نبودند که ملت را فروخته مملکت
 را بخارجی رهن گذارده پول قرض گرفتند و تمام آن
 وجوه را در فرنگستان با فواحش صرف شرب خمر
 کردند همین مستبدین نبودند . که منابع ثروت و راه های
 مملکت را امتیازاتش را فرنگیها بر گذار کردند ؟

همین مستبدین بودند که خواهران ما و شما را به
 ترکانه فروختند و به اسیری دادند ؟ همین مستبدین
 نیستند که دول همجوار را بخرابی مملکت و قتل وفات
 ملت گاهی به ارومیه و ساهاس گاهی به بیله سوار دعوت
 کردند و خون چندین هزار تن و دایع خدا را جاری
 ساختند ؟

همین مستبدین نیستند که رئیس دسته قزاق
 لیاخوف روسی حاکم طهران و نایب السلطنه سلطنت
 اسلامی قرار دادند همین مستبدین نیستند که مسجد و
 معبد طارا که بموجب قوانین تمام مذاهب محترم است .
 اول با توپ خراب و بعد طویله اسبهای قزاق قرار
 دادند ؟

همین مستبدین نیستند که در پیست سیم جادی الاول
 (۱۳۲۶) هجری در طهران بعد از انهدام مجلس مقدس
 جیبی از سادات و اطفال مصوم قرآن ها در دست
 گرفته بشفاعت آمدند که دیگر توپ اندازی موقوف
 شود و خون مسلمان ریخته نشود احترام قلین را
 منظور نداشته آنها را تبره باران کردند محایف کلام
 مجید را با خون گلوی سادات نجیب و ننگین ساختند
 همین مستبدین نیستند که چون مردم تبریز وقعه
 طهران را شنیدند

بر حسب تکلیف شرعی خودشان بتمام معاونت
 بر آمدند

خون آنها را مانند سیل جاری کرده چندین هزار فر قوس زکیه را بخاک افکندند که هنوز هم دست از قتل و غارت برداشته اند و تاکنون موجب اخباریکه رسیده ۴۰ کروار تومان اموال مردم تبریز بغارت سوارهای رحیم خان و شجاع نظام رفته ، همین مستبدین بستند که در متقابل حملات نامشروع دول همجوار قدر ذره مدافعه نکردند سهل است بعضی اغتشاش داخلی که به این وسیله مردم را از مشروطه متفرسازد محرك خارجیان شدید ولی در مقابل مطالبه حقوق مشروطه اهالی تبریز لشکر کشی نموده خون این همه مخلوق را ریختند .

ای ایرانیان ، ای عاصیان عنوان مسلمان اگر گوش دارید چرا سخته اطفال بی پدر و زهای بی شوهر را که در تبریز به افلاک انداخت میشوید اگر میشوید گو معاونت شما مگر خدا قرموده

(انما المؤمنون اخوة)

حق برادری همین است که شماها به کمال راحی بشینید در تبریز و در نواحی آذربایجان به عصمت ما و شما سوارهای رحیم خان بی ناموس و شجاع نظام بی غیرت و اکراد وحشی دست دراز کرده اطفال تبریز را بر سر نرزه های خشک زند زنها میسازد مسلمه بخانه های آرامش بناه برند ؟

کنیث های آرامش برای گرسنه ها و بی خانمان های مسلمانها جمع آوری امانه کنند ؟

تلف بر غیرت شما اف بردیانت شما ملت بر حیت شما شما را بخدا شما را بحقیقت اسلام رجوع به تواریح عالم کرده به پند در دوره کدام شدادی در عصر کدام حجابی همچو ظلمها شده است

کدام جنگیز مانند (محمد علی شاه) بخون مردم آشته بوده که سرباب میشود ؟ بخدا قسم سکوت شما ظالم را تا این درجه جسور کرده

حما بدانید فردا در محکمه کبرای خداوندی شما هم در عداد ظلام بوده مسئول خواهید بود چرا که به برادران خود انواع ظلم و ناروایی را دیدید و سکوت کردید بالا ترین ظلمها که به ملت وارد شده و مهم ترین توهینی که به شریعت و ججیع الاسلام از مستبدین وارد شده این است که مشروطه طلبان را منم به پای نموده

اند ، مشروطه را مغل آسایش قرار داده است استبدادی را که زمام اختیار ۴۰ کروار روس دست يك نفر حواری خمار لاطی باشد صحیح میداند

در حالیکه مشروطه خواهان غیر از احری حکام قرآن مجید چه دیگر طالب بستید مگر یکی از حکام قرآن (و شاور هم فی الامر) نیست مشروطه خواهان میگویند از شاه تا گدا در تحت يك قانون حد دای میباشند که حقوق همه از تجاوز يك دیگر محفوظ ماند به اینکه در اش و فراش ناشی داروغه و حاکم شاه و وزیر در حق رعیت (قائل ما برید و فسال ما داند) باشند مشروطه خواهان میگویند ملت المسال مسلمانان صرف خود مسلمان نبود به صرف حب يك ملت مطرب و رقاس که مصاحبین خلوت شایند

مشروطه خواهان میگویند دین و دولت ملك و ملت ما از تسلط کفار و احاب محفوظ ماند

ولی هیکل استبداد چون اینها را مخالف ما سلطنته معوج خود دانسته و میداند این است که برسد این اساس نقشه ها کشید طرحها را بخت گاهی احاب را محدود دعوت کرد که رحان و مال بر مرض و ناموس مسلمانان ابقاه نکردند گاهی اقبال السلطنه را به ماسکو جهان شاه خان را به خمه و ونجان حاج آقا محسن را بتراق قوام را به شیراز رحیم خان را به تبریز مأمور قتل و غارت کرد زمانی مأموریت را به پلیس های معمم داده شیخ فضل الله را در طهران حاجی میرزا حسن را در تبریز خمی را برشت حر دیگر را به اسفهان سگ دیگر را به کرمان مأمور ساخت که بنوان شریعت قلوب طامه را مشوب کند یعنی همان تظیری را که یزید بن معاویه درباره حضرت حسین مکار برد

و از شریخ قاضی قنار گرفت که حسین بن علی از دین اسلام خارج شده و بر یزید خروج کرده دفع او بر هر مسلمی واجب است یزید آل قاجار هم عین آن تدبیر را درباره مشروطه خواهان اتخاذ کرد شریخ های عصر ما را به زور پول و رشوت وادار کرد که مشروطه را خلاف شرح گفته مشروطه خواهان را پای اسم گذارند مگر به شیخ فضل الله صد هزار تومان داده نشد که در حضرت عبدالعظیم ۷ ماه مشغول فساد بود

تھی سید محمد و سید علی زیدی را به نوشتن اوراق
داخله و داشت گاهی حاجی میرزا حسن را به رقص
در آورده که حلاقم در تبریز هموم مشروطه خواهان
را باین نامیده مال و جانشان را مباح میداند

! وصف این حال یزید عصر ما و اتباع او بدانند
که ما این اسم گذاریم بمقاصد قاصده خود نائل نخواهند
شد چرا که (واقعتم بوره ولو کره الکافرون)

مقصود ما از طبع این ورقه آن است که برادران
وطنی ما بدانند همیشه اوقات اشخاصیکه طرفدار حقانیت
بوده و اولیاء خدا بوده اند از طرف معاندین متهم بوده
اند - منتد و پشوای ما حضرت حسین بن علی ارواحنا
فداه است هست که بر ملا آفت امام را ما اهل بیت
اطهرش خارجی گفتند حالا مسلم است که عصی گفتن
یک مشت فسد مشروطه خواهان باین نخواهند شد
دانشمندان میداند که چه اشخاصی باین هستند و کدام
ظایفه حاجی آنها که مارا باین میماند گیانند شیخ فضل الله
است ، چون مشروطه بحال او مضر است بجهت اینکه
طلبیات شهر قاین نیول شیخ بود مجلس ملی موقوف
داشت این است که مشروطه بزعم او خلا فشرع شد ،
سید علی و سید محمد زیدی است که چهار روز قبل
هم کدام ما یک خار رهنه به تبریز آمده حالا هر یک
داری صد هزار تومان مستقلات هستند دیدند باین
وصح بسط شعبده بازی آنها رجیده شد ، مشروطه را
حرام گفتند ، حاج میرزا حسن است دید تا کنون غله
املاک خود را احتکار کرده قیمت جان بخورد فقرا و
ضعف داده باز حجة اسلامش می نامیدند و دستش را
مبوسیدند در بطنه اش برای درد و ورشکته مأس
بود ولی مشروطه شدن مملکت این اختیارات خاراه را
از دستش گرفت این است که مشروطه را خلا فشرع
خود دانستند مشروطه خواهان را باین می نامد . .

ای جهل کرور نفوس ایران غفلت تا کی سمالت
تا چند مگر در شما حسن اسلمیت نیست هیکل
استبداد ما تمام قوای خود ۷۵ روز است مشمول
اسکات مردم تبریز است که شاید آنها را هم مانند اهالی
سایر بلاد از غیرت و اسلامیت تهی سازد شبانه روز
تمام هم خود را مصروف به محاربه با اهالی فیور تبریز
نموده سپدار را با ۷۵ هزاره توپ ، و فوج خسته و

سوار های چار دولی مأمور تبریز کرد اهالی تبریز به
سرداری دو نفر مجاهد حقیقی ستار خان و باقر خان
از یک طرف دفاع از حاجی میرزا حسن و جنود آن
ابلیس کرده از طرف دیگر مشغول بدفع از لشکر
یزید عصر شده تمام را غنذول و منکوب کرده سپدار
را مجبور فرار نمودند از سیصد سوار شاهسون در
یک مبارزه دلیرانه مردم غیور تبریز تنها بجای نقرشان
جان بدر برده فرار کردند از سوار های رحیم خان
بی رحم اسی بجای مانده یک پسر رحیم خان و برادر
زاده اش با ضرب گلوله به آتش جهنم ملحق شده
منتظر ورود رحیم خاند عین الدوله کذائی با قوای
بسیار از طرف حجاج عصر مأمور به قتل عام شده و
روانه تبریز گشته بموجب اخبار تلگرافی ۲ روز است
در کنار شهر مانده حرمت ورود تبریز ندارد قوت
مشروطه خواهانرا بطهران خبر داده مختصر در سایه
جماعات واقیه مردم تبریز که در حفظ اسلام و شرف
خود از کشتن و کشته شدن نه ترسیدند حد خدا را
گوی شجاعت و شهامت را ربوده بر طلبیان ثابت کردند
که هنوز خوف ارایت در آنان هست و ما کمال
افتخار انجمن ایالتی را که بواسطه اخلال جنود ابلیس
لعین چندی تعطیل بود از توجه خاص اعلیحضرت
حجة ابن الحسن ارواحنا فداه که سر پرست حقیقی ما
است یک هفته میباشد در تبریز افتتاح یاتمه وکلای محترم
مشغول رفق و قلق امور جمهورند جراید تبریز که نیز
تعطیل بود شروع به طبع و نشر نموده ای هموطنان
هنوز سالفین سایر بلاد ای مردم طهران نشستن و
گریستن و دست تضرع به آسمان بلند کردن کار پیره
زمان است و آن تکلیف امروزه شما ما نیست بساید
به شنیدن چند تیر توب فرار کنید و مرعوب شوید
به نشستن و کف افسوس بهم بودن استرداد حقوق
مقصوبه و حفظ دین نمیشود باید کوشید و در راه
آزادی مشروع خود از کشتن و کشته شدن پرهیز نکرد
که حق تعالی فرموده (ان الجهادین علی القاعدین درجه)
یک حرکتی بکنید و جنبشی به بنهید بر فرض هیچ کاری
از شما ساخته نیست و بر هیچ اقدامی قادر نیستید یعنی
نمیتوانید یک هفته دکانهای خود را باز نکنید و تعطیل
همی بنهید همین که تعطیل گردید اهالی هر شهر

يك جامع شده پنديشيد و پند

آيا اداره سلطنت كه مدار زندگى عموم مات است
 به اوست مشروطه باشد بحال عامه معيد است و يا بطور
 ستداد اداره شدن ، دستگاه سلطنت و حكومتهاى جزو
 مطابق با قوانين مشروطيت باشد مطابق با شرع مقدس
 سلام است يا اينكه بطور استبداد و خود سرى ؟ اگر
 دارة استبداد صلاح شد و با مسلمانى موافقت دارد
 ديگر تقابله صحيح اسلام عتبات طايات را بكنيد فر آن
 (از بيان برداريد)

تقابله خود را (محمد على شاه) و امير بهادر
 جنگ و ساير همجبات خلوت از قبيل معال و شاپسال
 بودى كويد ، اگر نخواهيد تقابله شامى محكم تر باشد
 چند نفر از نهار و ملايها را هم مبرى ميكنم
 شيخ محمود و رامينى سيد على و سيد محمد يزدى حاشى
 ميرزا حسن و حاجى ميرزا كريم امام جمعه تبريز حاشى
 حرزا ابوالقاسم امام جمعه طهران سيد مرتضوى معين
 حشورى اينها همه ميان مستبدين اعلمند و قابل تقابله ...
 و اگر ديدند خير اداره استبداد موافق اسلام كه
 سهل است با هيچ شريعتى موافقت ندارد آنوقت دست
 حسرت داده تقويت مشروطه را كنيد با اشخاصيكه مخرب
 بن اساسند اين معامله را كنيد كه با مخربين دين ميكنند
 بخداى نادیده اساس اسلام بر عدالت و مساوات
 ستوار شده ، اى مردم ايران غير از سلطنت ايران ديگر
 يك اداره استبداد ربا نيست ، سلطنتهاى كه نزوگترين
 سلطنتهاى اسلامى است مشروطه شد صد و چهل كرور
 مسلمان هندوستان مشروطه هستند امروز در ربع
 سكون هر قدر سلطنت اسلامى هست همه مشروطه
 به غير از ايران كه او هم بوده و هست نهايت چندانى
 است قاصدين اخلال کرده اند ، و مفسدين مشروطه را
 خلاف شرع ميگويند آخر ملاحظه ميكنيد اين همه
 نفوس اسلام كه در نقاط مختلفه دنيا ساكنند همه باي
 هستند ؟ اصاف كنيد اهالى آذربايجان باي ۸۰۱ كرور
 سيئه عثمانى باي ۱ صد و چهل كرور مسلمان هندوستان
 باي ؟ البياض باقه هاى نجف اشرف و . و . و ۱۱۱
 مسلمان فقط (محمد على شاه) و امير بهادر و شيخ
 خضلته و حاجى ميرزا حسن و اتباع اينها . . . ۲۴
 نه بيقه نه باقه اينها مسلمان نيستند ، اينها مخرب

اسلافند اينها هادم شريعت محمدى هستند اينها يك
 مسلمانان مى باشد

در بيان اين اظهار نامه امام اسلاميت و اسمايت
 از اهالى تمام شهرهاى داخله ايران استدعا نموده نوبت
 داريم محض استرداد حقوق مشروعه و منصوبه خود و
 نوع خود با مردم تبريز موافقت کرده بگذاريد شريعتى
 را كه با محامدات شهيدراه حرمت همه حضرت حسين
 بن على عليه السلام قائم گشته ، آتش ظلم مسيدين دين
 را با در افتد ، اسلامى كه آن حضرت براى دوم و هداى
 او از جان و مال و عيال و اولاد خود گذشت الان
 عريب مانده ، مرمايد (هل من معين لىبنى لحاطر
 رسول الله) كر مسلمانيد اگر (يا ليتنا كنا معكم) را از
 روى حقيقت ميگوئيد اسم الله مرمانيد اين شما و اين
 ميدان معاويت كنيد دين خدا را كه از طرف خدا و
 ائمه هداى مؤيد و منصور خواهييد بود والسلام على
 من اتبع الهدى و امت الله على القوم الظالمين

نقل از جريده شريفه مظفرى

تخديد بصر

اعلايات ايران كه امروزه تا درجه كسب اهميت
 نموده ، و حورده بيان را دقيق ساخته فى حد ذاته
 قابل هيچ استعجاب و استغرابى نيست
 تاريخ ملل ما را محورى واقف ميسازد كه در
 ادوار اوليه ملل سايره را سبيل حوادث و تصادف
 مشكلات بدرجات شتى ريبده از اين در حلو بود هيچ
 ملت و هيچ فرقه كه محقوق خود وقف گشته و در
 صدد استرداد آن برآمده اند و خون حكر ، مصود
 خود نابل نگرديده و به استرداد حقوق خود به مق
 شده اند

بلى يك نكته مهم فى هيات قابل رقت و حال
 دقت است ، اوضاع كنونى كه ايران را يكبارجه شورش
 و مخاطرات عظيمه را بدان نوبك ساخته بدون شبه
 يك علاج فورى را ميطلبند كه هر قدر تفاضل رود و
 تسايح شود امواج سلك را زياتر سلاطم خواهد آورد
 آن علاج فورى و آن نهائى آنى منحصر استفرار
 اساس مشروطيت است كه عنلاى ايرانى است نموده
 بايه آن را برشالوده محكم نهند ، ادمات و تصادفات
 خلى به ارگان وى رسانند

مهور صدیق نمود که مزار وارده را هیچ
چرا باعث نگردد جز عفت و سهل انگاری ملت که
به حب و برنگهای خائین مفتور گردیده و از
حسب خود غافل ماند

ایک ه هوای ملی غالب آمده و دولت باقتساح
شماره شورا مجبور گردیده ملت ایران که سده است
و بهای استقلال خود را در استحکام این اساس میدانند
باید با کمال جهد و کوشش موانع را یکباره از جلو
بردارند

چه با نقای این موانع آئینه ایران را هیچ اعتبار
و اعتمادی نماند و ملت را جز رنج و زحمت فائده
حاصل نخواهد شد

پس باید با تدابیرهای حاکم هر چه زودتر فرصت
را غنایت شمرده رفع موانع و دفع مفاسد را اولین
منظور خود قرار دهند

تدابیر صحیح اسلامیة عقوبات عالیات اتمام تطلطم
و فدا داریهای غیر الغنول اهالی غیور آذربایجان
و بر طمان چندانی که باید مقصود را نزدیک ساخت
سی درنگ نیست که اهالی ایران باید خسارات
مالی و تلفات جانی را پیش از این به بردباری بر خود
روا داشته با یک هیجان ایران آباد کن یکمرتبه خار
و خس های استبداد را از جلو بردارند

ی ملی جنوب ای هموطنان عزیز من ملت
غیور آذربایجان گوی سبقت روده و آئینه ایران را
با اند همین ملت خود ساختند

سکوت شما را چه علت است ؟ بردباری شما را چه
سبب ؟ مگر به مادر وطن امروز در شرف موت است
مگر به شما این حال فلاکت مآل را برای العین دیده و
این سنگ تاریخی و بدنامی را بر خود هموار میکنید
آخر جای ابراز غیرت است وقت حیات است ،
موقع حواهدی است ، چه شد آن جوش و خروش
شما . چه شد آن داد و فریادهای شما ، کجا رفت آن
حدت و حرارت شما

انجمن های شما چرا موقوف شد ، زبانهای شما
چرا مفل و مهور گردید ، اجتماعات شما چرا متروک
گردید ، مجلس شورای شما چرا معرض چپاول اوباش
شد ، وکلای شما چرا متواری شدند ، مگر بعد از

وقته ۲۳ ج ۹ چه روی داد که یکباره خاموش شدید
آنان که بسد زمان سخن میگفتند . آیا چه گرفتند ؟
چه شنیدید که خاموش شدند ؟

ای هموطنان من بیاید و نام خود را پیش از این
بست سازید خود را مطمئن تاریخی قرار دهید
آخر شاهم در این آب و خاک شریکید بیاید همت کنید
با یک هیجان هفته بیدار کن صدا صدای یکدیگر
داده هم آواز شوید حقوق حقه خود را بستانید

مظالم وارده بر خود را تلافی کنید
حق را بر مرکز خود جای گیر سازید
در سلطنت مشروطه دولت حق اخذ مطالبات
بدون امضای نمایندگان ملت ندارد

واردات ملکی بایست بمصرف اصلاحات مملکت
برسد ، مگر خود سری های دولت را محسوس نمی بینید ؟
مگر خرابی مملکت را نمی نگرید

آیا مایانی که رعیت رنج بر کل کار با هزار خون
جگر میبرد دارد بایست بمصرف قوای ناریه که باعث
ریختن خون برادران غیور شما است برسد ؟

آیا شما این وضع را می پسندید ؟ حاشا و کلا !
آیا در تمام صحنه جنوب میان انهمه علمای بیدار
و جوانین مختیار و ایلات حاضر السلاح یک تفریفات
میشود که افتدا محضرت سار خان سپهسالار قشون
ملی آذربایجان نموده و این سنگ را از اهالی جنوب
بر طرف سار

ای اهالی بوشهر و عباسی و لنگه ای ملا ذالاسلام
اهرمی ای آقای صدرالاسلام قسمت عمده تصور سمت
جنوب امروزه بسپده آن بزرگواران است که دستها را
بروی هم گذارده احکام صحیح اسلامی را در آن نواحی
اشاعت میدهد

امروزه عمده بشت گرمی دولت بهایدات جنوب
است که روزانه مبلغ هنگفتی بکیسه دولت وارد میشود
آیا دیانت شما تجویز میکند که از این وجوه خونهای
برادران غیور آذربایجانی ریخته شود ؟

آیا تصرف ادرات امروزه برای شما اشکالی دارد ؟
آیا استعداد موجودی بنادر در حضور شما
بزرگواران مستور است که سوای ۲۷۳ دانه فلز فشنگ
خلی چیزی در ذخیره دولتی حاضر نیست ؟

گیرم هر چه موجود باشد آیا اکثر جمعیت
بشرفت کار از برای شما مشکل است ؟

آیا این اندازه فهمیده‌اید که همان بوندهای ریاضی
شما بود که برادران طهرانی را با قداطت خود اطمینان
داده و سینه‌های آنها را هدف گلوله ساختید
و نه اگر عرض شخصی را کنار گذارید و همت
را شعار خود سازید شاهد مقصود شما را بی‌خود دل
در آغوش و فتح مابین شما را حله و وار نکوش است
در میان شما مردمان لایق کار آمد زیاد است بکنفر
حد حان یا میرزا محمد حان یا حسین حان یا جمال‌خان
یا حیدر حان یا ستارخان نوعی را در حلوا انداخته برادران
آذربایجان را مدد دهید

ما که مستحکام مشروطیت ایران بنایت‌القصوی رسید
چنانچه شما همت کنید یا قابل بشینید در سخت مشروطیت
غریب بار خواهد آورد و تیشه ملت ریشه استبداد
را از بیخ و بن خواهد کند اما تاریخ ظلم که آینه
سرتاپای هر حرکت احم است این سنت عصری و تبیلی را
مسکوت می‌نخورد گداخت و اخلاف شما را در آینه
دوچار سنگ و مار خواهد داشت

امروز از شمیر شما (یعنی از پول نادر) عمده
کارگزارانی های دولت میشود اگر اندک همت فرموده
و ادارات را متصرف شوید همراه ظلم یکباره بر کل
خواهد نشست

امروز در مقابل این اعمال شما هیچ قدر موحی
موجود نیست احکام صحیح اسلامی و حوب جهاد را
صرفاً مشعر است

لطمات وارده بر شریعت مطهره جای شما و انکار
ماقی نگذارده

سوراینین قرآن و تخریب شاه خدا و اعدا
دشمن مسلمان و هتک احترام بلکه ارار آیه صدمه
بر ذراری طایفه حالت صبره مسلمان روی زمین باقی
نگذارده

غفلت و سهل انگاری مسلمانان ایران هموم مسلمانان
ظلم را محبت انداخته

مگر مسجد سپهسالار شاه خدا بود ؟ مگر متحصنین
مدرسه سپهسالار مسلمان و برادران دینی شما نبودند ؟
مگر مسلمانان خیور و مجاهدین اسلامی آذربایجان از

حرکه مسامحین خارج شده بودند مگر قرار همه کلا
طدا نبود که سوختند

اگر همین طور است حسن اسلامیت شما که
غیرت مسلمانان شما چه شده

ای مسلمانانیکه در این ماه رمضان شما مشغول
مقابله و شب زنده داری هستید این احکامات و فتاوی
صحیح اسلامی را بدقت بخوانید و لا اقل تکلیف سحر
خود رفتار کنید

خو در حکامات ما ان طام ما بن درجه شما نه
خواهد داد که چنانکه ظالم را زان است میکند
ده یکش و هم عمل نارکان کرده ظلم نکشید

❦ ایضاً ❦

❦ تشخیص علت ❦

در مورد اعلانات امرورده ایران همای و ری
و عبیده محصوی است که علت فساد و مایه خلاف ر
طوری فهمیده و شامت حال را بدان منسوب میداند
یکی میگوید مایه کار شایع بی‌علمی است عدم
استعداد ملت این انقلابات را فراهم آورده و ملت ر
در تیره صلات انداخته

دیگری میگوید ملت را حز انجب بایندگان
خود هیچگونه وطیعه نبوده عدم لبانت و قابلیت
بایندگان ملت که اعمال افراض و هوا حس مساوی
برداختند و از حرارت حقوق - پرده بخود قائل

مادد این مهالک و ملای را بر ایرانیان وارد ساخت چه
در میان بایندگان ملت حز معدودی که قابل بودند
مابقی را هیچگونه لبانت و استعدادی نبود و از این رو
در عرض ای که باعث آمادی گردید موجب طرائی شد

برخی را عبیده این است که شالوده مشروطیت
ایران بنایت استحکام بذرت افراض قائده رجال
دولت و اشخاص خارج از کار که قائده خود را در
القاء عداوت بین شاه و ملت میداستند این شراره را
شهور ساحت

بسی را قطع حاصل است که انقلابات ایران را
امداد غیبی علت الملل است معارضه و مصادت پیشرو
مشروطیت ایران با بلتیک روسی و انگلیس این حوادث
و وقایع را همه روزه در ایران تولید مینماید
طایفه دیگر را از هوالم ظاهر انصراف و به بواطن امر

نوحه کاملی است و این حوادث را مقدمه ظهور صاحب ولایت (ع) دانسته و بی شبهه اطفاء این ناره را از چیز قدرت بشر خارج میدانند

عقیده ورقه بر این است که پشروت مشروطیت یا عدم آن امروزه هر سه مورد روحانیان گردیده که برخی مخالف و جمعی موافقند عوام را این خلاف که جز جلب منافع شخصی هر ضعی در بین نیست بهزاران شبه و خیال انداخته

سروش غیبی را تراه این است که

(قسم ما مبارك محمود)

(چه بدریارسد بر آرددود)

سرآمد تمام بدبختها و علت الطل تمام مفاسد عدم دوافت طالع محمد علی میرزا با پشرفت مملکت است و روزی که این جوان براریکه سلطنت جلوس نموده مات را رقیفه و آن آسایش و فراغت حاصل نبوده مرضاً تمام این مفاسد اصلاح پذیرد نحوست قدم آن بدبختی و ذلت سحت تری فراهم خواهد ساخت پس چاره امروره همان است که ملت ختم (هنر مجیب) گردد - بد دروازه غیب غیرمحمدی قدم بسرحد ظهور کند رده فرشتا الی الله و طلباً لرضاه (مشق مندی) را - ک - باید (م - علی آقا شیرازی)

تنبیه نامه فرقه مجاهدین قفقاز

دهاتیان ایران

(بنام خداوند آزادی بخش)

(بسم الله . و باقی و علی مات رسول الله (ع))

ای پسران عزیز ایران ! ای دهاتیان بیچاره ! آیا میدانید که محمدعلی شاه قاجار درجه خیال است ؟ میدانید که چه خاک بر سر ما ایرانیان می ریزد ؟ آیا میدانید وطن مقدس ما ایرانیان را ، که خاک آن خون حداد ما عین شده به خارجه میفروشند ؟ میدانید که بر مشروطه طلبان و فدائیان ایران اسم بابت گذاشته . میخواند ما را قربان خیالات ناسده خود نماید . آیا میدانید که سستی شما دهاتیان سورت چه قدر فتنه ها خواهد شد ؟ برصای خدا ، خاطر پیغمبر (ع) يك حرکتی کرده دست معاونت به ما بیچارهگان داده بصدای ملت پرورانه خودمان اساس

بوسیده استبداد را از بیخ بر اندازیم تاکی ۰۰۰۰ این گونه مساعیه کاری ؟ مگر از يك قطره خون خود که در راه وطن میریزید ، مضایقه دارید ؟ مگر شما برای گذشتن از حقوق شرعی و عرفی خود ندارید ، مگر شما تابع احکام حصرات حجج اسلام نجف اشرف و کربلای معلی امام الله برکاتهم نیستید ؟ مگر شما نمی دانید که حضرات مجتهدین که بر ایشان تقلید داریم ، مشروطه را عین شریعت فرمای محمدی اعلان فرموده اند ، مگر فتوای ایشان را نخوانده اید ، مگر میدانید که هوا داری محمد علی شاه را بدتر از هواداری یزید این معاویه میفرمایند و آیا نخوانده اید مضمون تلگراف مقدسه را که فرموده اند هرکس در راه مشروطه و پیش رفت مجلس مقدس ملی کشته شود جنان است که در حضور باهرالنور حضرت حجت عجله الله فرجه جهاد کرده و شهید شده است ، همان ای دهاتیان ای هشابر رشید ایران ، دیگر مجال خوابیدن نداریم . (ایران) از دست میرود ، وقت چاره جوئی است اگر اندکی مساعیه رو نذاریم کار از کار خواهد گذشت تابع کفار خواهیم شد . حال وقت راضی کردن ارواح شهدای کربلا است ، البته بکلی قیام کرده یدق اسلام را بر او رازید ، مضمون آیه شریفه فضله المجاهدین علی الفاعلین ۰۰۰ را عمل بکنید . از فرصت استفاده بردارید

زنده باد مشروطه و مشروطه طلبان ، بیست و

نابود باد استبداد و محرب کفندهگان مجلس مقدس ملی

اعلان

کتابخانه بصره جدید در قلیس اوجا سنیق ششم باز شده هر رقم کتاب به اصول جدید و مطابق ترکی و فارسی و جراند ایران و سال اول دوم سوم بجه ملاصرالدین و بجه جریده بیوضات از رشحات قلم ادیب دانشمند علی بك حسین زاده و تیار نادو شاه از آثار قلم زمان بك تریان اف و از هر قبیل کتاب ترکی فارسی بقیمت مناسب فروخته میشود هر کس طابا شد رجوع به ادرس نماید و نیز کتاب خانه وکالت جراند فارسی ترکی عربی منطبعة داخله و خارجه را قبول میکنند (کتاب فروش حاجی علی اصغر محمدزاده)

جبل المتین کلکتہ

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

Habibul Malin Office
4, Medical College Str.,
CALCUTTA.

وکلا دمه دار ابوعات مشترکین اند

(بدل ابوة اخبار پیشگی گرفته میشود)

قیمت اشتراك

سالانه -- شش ماهه

نامه مقدسه

المتین

سنه ۱۳۱۱

کلیه امور اداره با

مدیرکل مؤیدالاسلام است

هر دوشنبه طبع

و سه شنبه توزیع میشود

یوم دوشنبه

۲۳ رمضان ۱۳۲۶ هجری

مصادف با

۱۱ اکتوبر ۱۹۰۸ میلادی

۱۲ روپیه -- ۷ روپيا

ایران و افغانستان

۲۰ قران -- ۲۵ قران

عثمانی و مصر

۵ مجیدی -- ۳ مجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک -- ۱۶ فرانک

روس و ترکستان

۱۰ منات -- ۶ من

(مراسلات خصوصی بدون امضای معروف)

(اداره درج نمیشود)

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود

(معالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آراست)

تقدیمی مؤیدالاسلام

ار این وقعه الخیره و ثلثه عظیمه ۲۳ جمادی الاولی واسطه سوء رفتار بعضی از ملا نمایان باسم مشروطیت و طرفداری از اداره استبداد که علناً اسلام کشی است از يك طرف زیان بعضی از احاب ماصول عقاید سیمه دراز شده و مذهب شیعه را حامی ظلم و ماح کلیه ترقیات بنداشته اند و از طرف دیگر عقاید بسیاری ر ضغای شیعه سست گردیده چرا که علناً متلبس انداس علما را حامی ظلم و ستم بلکه شریک در قتل و طارت دیدند

این خادم شریعت مطهره و تراب اقدام روحانین حلالالذنب الحسینی مؤید الاسلام مدبر روز نامه جبل المتین چون از حقیقت امر واقف بود و تأییدات عمده روسای مذهب حنفی را از بدو مشروطیت تا زمان حال دیده و تألیفات چند تن از ملانمایان را در اینموضوع فهمیده فریسه ذمه خود دانستم که در دفع این شبهه قدر وسع کوشیده چهره ریجای حقیقت را از ورای حجیبات تدلیس و تالیس ظاهر سازم

هر يك از ادیان سواره را قواعد و اصولی نگهبان است که بیل بحقیقت و باطن آن دین امکان بنبرد جز در حصول اطلاع باصول و قواعد آن دین

آئین اسلام که در ساحت ترین ادوار توحش و بریت ظلم را از برنو شعله خود چون روز روش منور ساخت محبت آئین و مدهی است که قوا به و ارکان او بر پایه مشورت بنا و کنگشتگان وادی حمايت را این ساهترین راهها است

چندانکه در مدارج سعود و رول مال و ترقیات و تشات دول غور و تأمل شود هیچ ملت و دواتی سطر نخواهد رسید که روسای روحانی آن در استوار دشتن اس مشورت سبت حسته و عاهدات و ایام میدول داشته باشد حق در این دوره اخیر که رحب اصول و هداد مدهی رؤسا مذهب حنفی را سجد و کوشش از حد بیان خارج میباشد

ولی در هر دور و زمانی رحب اختلاف مدارج شر دمه بلیلی بای محلمت نشرده و دبری نگذشته است که طریق سمحلال را بچوده اند

ولی انگوره محلمت هاسی شحصی را نه علایب اصول و قو عد مسامه مدهب بطل است هرگز بختوار سبت ماصول آئین و مذهب داد

ظلم بایان پول دوست شصکم برست سست عقیده هبته موجود بوده اند که احرای مقاصد باطله محالمین مدهب را آلت شده اند

بونه روس بنا بوده بخاره شود جناب عالی سفارت دولت همه را از جموعیت آن اعلام و جعل آن تابع هر دولت است اولیای آن دولت سیاست خواهند فرمود انشاء الله (محمد کاظم خراسانی)

تلگراف ذیل را محض رفع شبهه بصحیح اسلامیته طهران باین عنوان زدند

﴿ ایضاً ﴾

صحیح اسلام دامت برکاتهم - بشارت انجام مجلس ملی را طحلا مترصدم (محمد کاظم خراسانی)

دستخط حجة الاسلام

﴿ آخوند ملا محمد کاظم خراسانی ﴾

(بنوان مجلس شورای ملی)

مجلس محترم شورای ملی شیداده تعالی ارکانه بمد از اهداء نساء و نخبیت و اداء مراسم تبریک و تهلیل معروض میدارد، درین موقع گرامی که بجمداقه تعالی و حسن عنایت و بتوجهات مقدسه حضرت حجة عصر ارواحنا فداء پریشانی ما و ویرانی های ناشئه از استبدادات و قصر انظار با اغراض شخصیه و اغراض از مصالح نوعیه را نوبت بیان و باقتضای کمال دین پروری و خلوص نیت ذات اقدس شاهانه ادامة تعالی سلطانه سعادت این عهد فرخنده حکه پاینده باد قاب مبارک هایدنی که (بین اسبی الرحمن است) بقصد این مجلس حجتیه که نخستین مرحله ترقی است منطقت فرمودند لازم داست پس از قیام بوظائف دعا گوئی آن ذات اقدس اعلی وادی شکر آن مواهب عظمی مراسم تبریک مبادرت عوده بمنقضای کریمه مبارکه (قال الذکر تفنح المؤمنین) محض مزید ذکر معروض دارد، که این اساس بزرگ که (بعد التبا والقی) بمهده کفایت آن دین داران با هیات و دولت خواهان با غیرت سپرده شده مفتاح سر بلندی دین و دولت و پایه قوت و شوکت و استغناء از اجانب و آبادانی مملکت است، و تمام مال و دول عالم در این موقع نگران حال مایند تا از این اتفاق ملی و مجلس شوری که آخرین علاج امراض مزمنه مهلکه است چه نتیجه گیریم، و چنانچه بون الله تعالی و حسن تأییده در این مرحله بطوریکه

چنانچه صفحات تاریخ اروپا و مواقع انقلابیه مال عیسویه مخالفت های کشیدان و روحانین را کاملاً مشهود میسازد

اما این مخالفت های شععی را دلیل بر مخالفت آئین عیسوی با اساس مشورت نمیتوان شمرد

ما میتوانیم دعوی نایم که در مشروطیت سلطنت های اسلامی روحانین ابدأ اختلاف نموده بلکه سر تا با تاید کرده چنانچه در سلطنت عنای ما آنهمه روحانین حدی اختلاف بورزید و همین قسم در بدایت مشروطیت برن عامه روحانین با اساس مشروطیت موافقت نموده قدام خلاقی از احدی ناشی نگردید

ابکن وقتی که شاهنشاه مرور مظفرالدین شاه از این دژ فال بصرای باقی ارتحال فرمود و محمدعلی میرزا فرزند او بر سربر سلطنت جای گیر شد و بنای مخالفت نهاد این (مکس های دور شیرینی) پیدا شده باسم دیانت اظهار مخالفت نمودند

در حقیقت این اشخاص بستند حز جیره خواران شاه و شکم برستان اسم دیانت ولی روسای روحانی مذهب شیعه که مقلد و پیروی جمیع شیعیان عالم شناخته اند عبارت هستند از سه ذات مقدس حضرت آیه الله آقای حاجی میرزا حسین حاجی میرزا خلیل حضرت آیه الله آقای آقا آخوند ملا محمد کاظم خراسانی حضرت آیه الله آقای آقا شیخ عبدالله مازندرانی این ذوات مقدس بدون حدود داری پایه ثبات فشرده قدر مقدور که شش ورزیده و در استعکام این اساس احکاماتی صادر فرموده اند

رای شهادت قلوب عوام و رفع باره از شهادت لازم دید جمله ار احکام و فتاوی صحیح الاذه و غیره بشان که در تقویت این اساس شرفصدور یافته مجموعاً نظر قارئین رساییده از خداوند منان توفیق و تاید آن ذوات مقدسه را در تقویت اسلام و اسلامیان خواستار شویم

تلگراف حجة الاسلام والمسلمین

(آخوند ملا محمد کاظم خراسانی مدظله)

موجب مکاتیب بغداد تلگرافی متضمن حکم بحرمت مجلس ملی ایران با آنکه انعقادش مبنی بر صلاح عموم است از لسان احقر جعل و توسط سفارت دولت

باید قدم برداریم امید است که انشاء الله تعالی زمامت
مجات و همای قریب با همکنار هموار گراییم ، و ناامکن
اگر خدا نخواست از هم اغراض شخصی منظر و جنوگیر
باشد مواد استمدادی خود را باطل هر ض و نامو بار
بر باد داده و انگشت نهای ملل و دول و مصداق
(يخافون ان يخفكم الناس) خواهم بود ، انا انشاء الله
تعالی من ذاك

حالا که برای صلاح مفاصد و تکمیل نواقص آرادی
مرحمت فرمودند انشاء الله تعالی هیچ دنیفه را فرو
گذار فرموده اند قوانین محکمه دین مبین را که ناموس
اکبر و از اعظم اسباب ترقی و هود و فسط رسی از آن
باقیست صحیحاً عووق اجرا و مصالح دولت و انتظامات
مملکت را روجه احسن و نظام آتق مرتب و واب
استبدادات و تعدیات و حنف و میل حاسی که خا
ملت را جفین و برار و رورگار دولت ابد آیت راه
حارس دین و ملیه شرف مان است باین درجه مذنی و
بربار این مبالغ خطیر قرض از احاب نموده نکسی
مسدود و اسباب نخلص ذمت از این قرض و صرفه
دخل دولت در مصالح لازمه و استعدادات موحیه
قوت و شوکت که اول قدم ترقی است تزیینات صحیحیه
فراهم و مقدمات استغنا از اجانب که مایه ثروت و مکننت
و تخلص از فقر و ذلت و بزمید معوه و مسدوق
متکین از انهای وطن و اطمینان آنها بضم تلف
ضوان امول موقوف اسب بافکار نایبه و تدابیر حکماه
تدریجاً مهیا و صرف جهد و بذل مهیه خواهند
فرمود ، که انشاء الله تعالی و التمه با الله تعالی و بولی امره
صلوات الله علیه و علی آباءه الطاهین و السلام علیکم
و رحمة الله و بركاته

(الاحمر الجانی محمد کاتلم الخراسانی)

استفتاء از حجج اسلامیه

حضور مبارک آقایان عظام حجج الاسلام آیة الله
تعالی بین الانام دامت ظلالم هر ضه مبدارد ، البته
خطر مبارک آقایان از وضع مجلس شورای ملی کابینی
مستوفق است که اساس آن بر اجراء احکام شرع مبین
وصیات مذهب حقّه اثنی عشریه و رفع تعدیات حائزین
و قسر عدل بین البیاد ، و موجبات قوت و شوکت
دولت اسلامیه در قبال اطادی دین است ، مع ذلک

بعضی از این مسافات این وضع با مفاصد و اغراض
شخصیه خودشان در عدم تخریب و در صدر نشوون
و تشکیک مستندی که تکالیف عامه مسامین را درین
باب معین فرمایند تا رفع تشویش بشود

جواب از حجج اسلامیه

(بسم الله الرحمن الرحیم)

الحمد لله رب العالمین ، و صلی الله علی محمد و آله
الطاهین و امننت الله علی اعدائهم اجمعین الی یوم الدین .
بلی چون بجمده الله تعالی و حسن آئیده ، و
شوحنات معدنه حضرت ولی عصر اروا حنا فده .
اساس این محترم محاسن حدس بر امور مذکوره مبتنی است
لهذا بر هر مسلمانی سی و همام در سعادت و تشویش
این اساس موم لازم . و ادم در موحب خلاص
آن محاور و مه بدنه با صاحب شریعت مطهره علی المدرع
بها و آله الطاهین اصل الصلواة والسلام و الخیرات
بدولت فویثولت سر ، انا الله و جمیع المسلمین عن ذلك
(من الطهر عبده الماردری) (نعم مدالجواب عن
السؤال عن محسن الشورای الملی کان ، ملائک - ۲ -
الجای محمد کاتلم الخراسانی

(الاحمر الجانی محمد کاتلم الخراسانی)

سؤال از حضرت حجة الاسلام

و آقای مازندرانی مدظله العالی

حجة الاسلام ادم الله ایام قاسنتک الکبری -

اشخاصیه مشروطیت مسافات با اسرار فاسده -

در دهر وسیله در ضح از انعام ان مکتوبه تسا

ادهر مبارکه را از استماع محمولات ، اادیب حود

مصطرب نماید ، شرح اجالی در این باب داده ،

بجند سؤال دین میشود ، و حوالها بر طبق فیه

شرعیه مصطوبه علی الصادع بها آلاف التحیه و انشاء

مرفوم فرماید

مردم بر دریا ملجأ بطلب مشروطیت نموده ،

چند چیز

اول - ساط نام ظلام و حکام و ساحر ممد

و بی یکم و ارباب نیولات و عدی فاحش فوق العده

من دون حق از ایشان بر هوس و اموال و امراض

مسلمانان و سکوت دولت از ردع و منع ایشان نحویکه

نظم مظلوم یجاره مسموع بوده و ظلام بسبب پیش

کشیم ای بدولت همیشه مقصد خود را نایل و ضغایه
متشرعین که در شرع انور احرار میباشند بدتر از رفیق
حری شده بود

دویم . این قرض میشوم دولت که دیناری از آن
در مقاصد عقلانیة مملکت صرف نشده و موجب مفاسد
عظیمه گردیده از قبیل تساط کفار و عزت و نفوذ
اسر و نهی ایشان در بلاد مسلمین و امتیازات محبة
ایشان از راه آهنین و کرب و معادن و غیرها و غیرها و
شیوع منکرات از قبیل شرب و قمار و لواط و زنا
و غیرها و غیرها

سیم . حبس نمودن ارباب قری اوراق مسلمانان
را بخوبی غالب سنوات را بفلا مکه بقسط میگذرانند
و حال آنکه گندم در انبارها سبز و منغن میشد و
فقراء بچاره نوبت حسرت مان گندم خالص را داشتند
آنها با سنگ کم فروش . این مفاسد که جامع آنها
تعلق اهتمام تمام دولت بسوی عیش و استدرار هم
عظیم امن و رجال بر جمع اموال خطیره و جشیدن
رعیت از بی صاحبی شربت مرگ را در زدی میباشد
دای رحبجان عموم رعیت گردیده آثاریکه بر مشروطیت
مار است عبارت است از اجتماع اشخاص صحیح الاعتقاد
و اخبار و تحدید حدود مات و تعیین وظائف حکام
و حفظ وکلای ملت واردات دولتی را از تلف . و
تربیت عسکر و حفظ نفوس و استخلاص دولت از
فرض خارجه و استنفاد مملکت از کفار ورد امتیازات
و حایت مات بدولت بخوبی با رغبت خود شایسته
عسکر دولت باشند برای حفظ بیضه اسلام . و سی از
منکر و سد باب ظلم و بعبارة اخری مشروطه عکله حق
برد بها الباطل تقویة این مشروطه بخوبی موجب رواج
اسر بمعروف و نهی از منکر شود و مستلزم ترك نظم
مسائل شرعیه و اطلاع بر مطالب دینیة نشود . لازم
است یا نه ؟

و تقویت از مطلقه بودن سلطنت که عسری از اعشار
قبایح آن بتدریج تمیاید حرام است یا نه؟ و در این جزه
زمان که سلطان اسلام بیخود از مدافعه خارجه شده بر
عموم مسلمین تعلم طریق حرب و تکثیر آلات آن
بخوبی در اندک زمان آلات حرب در بلاد مسلمین
وفور و مسلمین را آن جنان مهارتی حاصل شود که

قوة مداامه خارجه داشته باشند لازم است یا نه ؟
(ایضاً)

کسی که در مساجد و مجالس صراحة یا کنایة لساناً
یا کتباً توهین بر نوع عالم کثرتة امانم نماید بخوبی
موجب ذلت و بیوتی ایشان در انظار مردم شود
چه حکم دارد بنوا توحروا

جواب حجة الاسلام مازندوانی

﴿ مدظله العالی ﴾

(سم الله تعالی)

آنچه از اول استماع این امر الی الآن در اذهن
ما داخل شده این بود . و فعلاً نیز غیر از این اعتقاد نداریم
که غرض از انعقاد مجلس شورای حفظ حقوق بوعندگان
خداوند عالم حل شأنه و تحدید حدود دولت و جلوگیری
از شر ظلم و ستم و سبب استراحت نوع مخلوقین بوده
و بعبارة دیگر غرض نهی از منکری که ضرر او
راجع بر نوع مات و اهل مملکت است بوده . و حسن
آن و وجوب آن ثابت است بعبارة حکم عقل و نقل . پس
چگونه لازم نباشد بر هر مائل قادر و مقدر تقویة آزه
اما - اعطنت مطلقه پس اگر مراد از آن خلاف
این معنی مشروطیت است و لوازم آن برخلاف آثار
مشروطیت است که ذکر شد . البته تقویة و همراهی آن
قبیح و حرام است .

اما تعایم و نظم و استمداد دفاع از مسلمین کفایت
میکند در خوبی بلکه لزوم آن تشریح سبق و ربطه و
ایجاب جهاد و مرابطة که در شریعت مطهره ثابت است
اما سؤال اخیر که حکم منجرین بر شرع و اهل
شرع . البته این مرتبه کفر است و اجراء حدود شرعیه
بر آنها لازم است . و در این روزها سورت اعلانی و
در زیر آن شریعی خطاب باین احقر امام نوشته بود .
از تجریز با پست مندری سفارشی رسیده از بی ای
بلکه از بی پدر و مادری و پشت پاکت مهر آن
ظاهراً اسد لله الحسینی بوده تمام کلمات لطائف آیات آن
از کفر و زندقه و الحاد زمان متک و توهین گشود
بر شرع و شریعت و بر حضرت عیسی بن مریم و حضرت
خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و اعلی حضرت اقدس
پادشاه اسلام و علماء اعلام و خود را نسبت داده بطالب
مشروطیت و خواصان حریت . اعتقاد دارد میتوانم

مقدمه بانگلیس سخت گیری حکومت بر خصوص آنها دون اتباع سایر دول در مطالبه شهریه که در سال فارسی کر بلا برای تدارک مصارف سوق عسکران بلده مقدمه احداث نمود بوده و از روی نقشه طهران و تبریز آن بیچاره ها خود را در این ورطه واقع ساختند و چون مقصود شان حمایت و رفع اجحافات بود قبول شد، متصرف کر بلا هم که رشید پاشا مفتی زاده زهاوی شدادی است باقتضای شدت مخالفت بلتقی انموقع را منظم نموده و در هشتم شهر صیام با جماعت ضعیفه و عسکر و غیرهم بر آنها هجوم و راه فرار بر ایشان سدود و همه را هدف گلوله نموده، و آخر کار رئیس عسکره نرحم کرده راه فراری برای ایشان باز نمود، جمع کثیری از آنها مقتول و جمعی مجروح و بعد از فراغ از قتل قوس بسبب اموال و حتی سلب اجساد مقتولین پرداختند

و با آنکه مدتی گذشته و جگونی را تلگرافاً خدمت صدارت عظمی دامت شوکته معروض داشته معیناً تا کنون از تدارک این واقعه و مجازات مرتکبین اثری ظاهر نشده، و امید است که منتقم حقیقی کفر بدهد بی امریکه موجب مزید بزرگی این مصیبت است حرقت و جسارت حکومت بر این عمل شایع بعد از گرفتن سند رسمی از مأمور انگلیس بعدم ارتباط این جماعت باو محض استضعاف دولت بوده، معیناً و هن این معنی مزید اصل مصیبت و بیشتر موجب احتراق قلوب است، علی کل حال رجاء و اتق هست مجدد غیبی و الطاف لاری تدارک این مصائب وارده بشود و لا حول ولا قوة الا بالله العظیم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته (الاحقر محمد کاظم الخراسانی)

(تلگراف حضرت مستطاب حجت الاسلام)

(آقای مازندرانی)

(از نجف اشرف بدارالشورای کبری)

توسط جناب مستطاب ماجالانام آقای آقا میرزا مصطفی اشتیانی سلمه الله تعالی به مجلس مقدس شورای ملی شیدالله تعالی ارکانه

معروض میشود. اگر چه بحمد الله تعالی فوائد عظیمه مرتبه بر این مجلس محترم برای دین و دولت و حماکت اجمالاً مکشوف بود، ولی بیانات شفاهی جناب

مستطاب اقتضای الجهدین الفحمام سرکار شریعتمد در دکر الاسلام آقای حاجی شیخ مرتضی مجتهد اشتیانی دامت برکاته بمنزله تحصیل این احوال و اهتمام در استحضام ساس آن از اهم وظایف و ارکان دین پروری و درط معدلت کامله ذات ملوکه ادام لاه تعالی ساطعاه رحماً و اتق حاصل است که انشاء الله تعالی دز تشیید و استحضام اسس این امر بذل عنایات ملوکه فرموده این نیک نامی بزرگ و عدالت اوتیروانی را شام مبارک خود برقرار و هجوم عاه و قاطبه رعیت را دفاکو و ایدوار خواهند فرمود انشاء الله تعالی

الاحقر عبدالله مازندرانی

حضرت تعالیه حضرت حجة الاسلام

(آقای مازندرانی بجنات آقا میرزا طاهر و اول)

(مجلس شورای ملی)

عفی بیست بر احدی که در این اعصار تعدیت امراء و حکام و سرکرده ها و اجزاء دولت بجه حدطقیان نموده که تمام خاق به تنگ آمده دیدید خان و مال و عرض ایشان رفته و میرود برو در آمده بالاتفاق گفتند ما دولت مشروطه می خواهیم، حتی آهائیکه الآن بطریقه نفاق رفتار می کنند، و آنچه با ابلاغ نموده و نوشته اند از معنی مشروطیت اینک ارباب عقول منتهج شود برای حفظ حدود و ضبط حقوق دولت و رعیت که حدود کردار و رفتار دولت با رعیت چه باشد، و حقوق دولت را که باید رعیت ادا نماید حقاً و یا مطلقاً چه باشد، تا هر یک حدود خود را داشته و بنظر و صدیق اهل مجلس که عبارت از آن عدول منتعبه است رفتار نمایند، اگر ظلم باشد محدود باشد تا نتواند تحمل نمایند، نه مثل خروس جنگی همین که بر طرف مقابل خود غالب شد متعلاً با منقار سر او را می گیرد هر چه خون بیاید و سر خود را زیر پروبال ظالم خود پنهان کند و التجاء بیاورد دست از کوبیدن سر او برمیدارد و هیچ حدی ندارد که ملاحظه آن حد بشود چون حیوان است و در این زمان از قرار مسموح حال ولایه و حکام همین طور است که سببیت پیدا کرده از شمار اسایمت بیرون رفته اند و کسی بفریاد مظلوم نمی رسد اما اعلی حضرت شهریار دایم ملکه که دسترس بآن ندارند، و اما غیر آن وجود یا ضعیف و غیر قادرند

ردم ، و یا قادرند و لکن شریک الصنعة هستند
 آن ظلم ، و بدیهی است که این مطالب دخلی و ربطی
 به مخالفت دین و مذهب ندارد ، نخواستند دین ،
 مذهب مردم مشروطه باشد ، تا مطلق و امکان به
 تحریک جمله از مستبدین و طالبین که طاعت عوده اند
 تسلیم و جور جوف همرو بن طاس که بگر و حیلته او
 مصاحف و سر نیزه شد تا دست از حق بردارد بعضی
 را وا داشته که لواج مشتمل بر کفر و زندقه و الحاد
 مانده بود به مجلس محترم بوسه و اشاعه دهند تا مابین
 مکر و حیلته مجلس محترم که وضع آن بر رفع ظلم و ستم است
 در نظر مبارک اعلی حضرت پادشاه اسلام و علماء اعلام
 و متدینین از عوام موحدون شود و او بفسد باطل
 خود نائل شود (و عکرون و بکرافه و الله خیرالما کرین)
 حرره الاحقر عبدالله المازندرانی
 (رقیمه دیگر از حضرت حجة الاسلام معظم الیه که بحضرت
 آقای آقا شیخ مهدتی سلمه الله تعالی مرقوم فرموده اند)
 عرض میشود - رقیمه محترمه زیارت شد از اطلاع
 بر صحت مزاج شرافت امزاج جناب عالی خوشوقت و
 مسرور گشته از حال این ضعیف مستعسر شدم ، بحمد الله
 تعالی حیوة مستعار باقی و هر بدعای آن محبة الاحباب
 و هموم مؤمنین مصروف است در این روزها ملالت
 خاطر بسیار و پریشانی حواس پیشتر جوف از
 تلکرافات منمده ظاهر شد که جماعتی از اهل علم
 ملاحظه تعذبات خود ، و یا تحریک بعضی از مستبدین
 علم مخالفت بر افراشته و زاویه حضرت عبدالعظیم را
 محل اعتکاف ساخته ، فریاد و ادبانه و وا اصلاح بلند
 میبایند ز هم انهم خوف الفتنه لاقی الفتنه سقطوا بتایس
 اینکه حفظ دین و ترویج شریعت حضرت
 سید المرسلین صلی الله علیه و آله مینمایند ! این که جان
 و مال ، عرض مسلمات را در معرض تلف در
 میآورد و انفساد مجلس شورای ملی که بحجة اصلاح
 حال عموم ملت و نظم امور دولت و فوائد آن طائف
 بی نوم نماند است و بحجة ضبط و تحدید ظلم و
 تعدیات ، اذ و حکام و اصراء که خارج از قوت و
 طاقت تحمل خلق بوده شده بدون استلزام خروج از
 حدود شریعت مطهره می در اجراء و همراهی در
 قرار و استفاده چنین مجلس راجح بلکه لازم است

چون از مراتب نبی از مندر است و شای تخریب و
 مخالفت آن در حد مخالفت با صاحب شریعت است
 مع ذلک این حضرات نسبت مکر و حیل همرو خاص
 صفات این زمانه اعمیه اذهان طود عوده ، اظهار مخالفت
 مینمایند ، و بحسب اینهم بحسب ساعا زیاده زحمت
 میدمد ایام افادت مستدام والسلام علیکم و رحمة الله
 (حرره عبدالله المازندرانی)

تلکراف حضرت آیه الله آقای

(حاجی میرزا حسین طهرانی مدظله)
 (بعنوان سید بن السندین)
 (از نجف به طهران)

حقی الاسلام آقای بهبهانی و طباطبائی تلکراف
 اول رسید دوم مجمل مفسد را بدون توقیف قسط
 روانه ارض اقدس فرستید و جواباً
 (محمد حسین میرزا خلیل)

عرض از مفسد درین جا شیخ فضل الله بر روی است
 چنانچه از تلکرافات دیگر هم ظاهر می شود

ایضاً تلکراف حجج اسلامیه نجف اشرف
 (نمره ۱۸۰۰)

به طهران حقی الاسلام بهبهانی و طباطبائی فقط
 تلکراف تالی واصل چون شیخ فضل الله نوری محل
 آیش و مفسد است تصرفش در امورات حرام است
 محمد حسین میرزا خلیل
 محمد کاظم سراسانی
 عبدالله مازندرانی

تلکراف حجج اسلامیه

(بعد از مصلحه وقعه تویخانه)
 (تاریخ ۱۳ شهر محرم الحرام ۱۳۲۶)
 (بسم الله الرحمن الرحیم)

حباب دستخط مبارک تلکرافی توسط جناب
 حقی الاسلام بهبهانی و طباطبائی سلمه الله تعالی حضور
 مهر ظهور مبارک اعلی حضرت هابون شاهنشاهی ادام الله
 تعالی سلطانه - پس از تقدیم ادعیه خلاصانه عرض
 میدادیم ربابت دستخط مبارک تلکرافی مشرف و بشارت
 تکمیل هنرم راسخ و عنایت مجددانه ملوکانه در قیام
 وظایف دین پروری و مملکت داری و اجرای قوانین
 قوی مشروطیت که موجب کمال قوت و شوکت دین و

دولت و حافظ استقلال سلطنت و مفتاح سعادت و سرمایه ترقیات است بر مراتب تشکر و دعا گوئی و امتنان و امیدواری افزود، امید که انشاء الله تعالی همواره عطاقت و دین پروری مستدام و بتأییدات خاصه حضرت ولی عصر ارواحنا فداء عزیزت راسخه هابونی پیوسته از نزل مصون و قلب مبارک که بین اصبه الرحمان است از هموم دسائس و از نفوذ افسان خائبن صکه مساعدت با اجاب و تفریق کله دولت و ملت و افتخانش مملکت را همت گماشته اند محفوظ باد، و این موجب الهی هراسه که فی الحقیقه وجود بار یاقی نعمت و شرف استقلال است مقیم و ترقیات فوق العاده دیگران را که از این شجره سعادت نازل شدند نصیب عین فرموده همواره تمام قوا را در استحکام آن جنبه وعده فرموده اید بعون الله و قوه مصروف و باصلاح و تدارک خرابیهای مانده از اسامد مسدین که در این یک ساله بعوض طی مراحل ترقی چندر بهتری تراجیح شده معاودت فرموده و مشاهده نتایج حسنه از بدل عنایات موفور عموم علما را قرین مزید دعا گوئی و قاطبه ملت را از صمیم قلب بمقام جان شاری و عدویت ذات اقدس که بعون الله تعالی موجب وصول بمقام اقوی درجات شوکت و اقتدار و اعلی مراتب سلطنت و جهاجی است قرین مباهات خواهید فرمود انشاء الله تعالی (الامر الاعلی مطاع

(الاحقر نجل للرحوم حاجی میرزا خلیل)

(الدعی محمد کاظم الحراسانی)

(الاحقر الدعی عبدالله المازدرانی)

ایضاً

تکرات صحیح اسلامیة بحجف اشرف

(بیدین السندین در طهران)

جنابان مستطابان حجج الاسلام بهیانی و طباطبائی دامت برکاتهما تلکرات شرافت انصاف که متضمن صورت دستخط مبارک هابونی و شرح عنایات حسرواه در قیام بوظایف رعیت پروری و مملکت داری و اجراء قوانین قویة مشروطیت بود که هم از کمال دلسوزی و صدق دولت و ملت خواهی حضرت مستطاب شرف اسعد والا آقای شعاع السلطنه و جناب مستطاب اجل اشرف عندهمک دام تقابلها الهی انظار امتنان فرموده بودید

وسید علیجده از جانب سی الجواب اقدس شاهانه ادام الله تعالی سلطانہ توفیق رفیع تلکراتی منحص منجبت بشارت و وعده در حزمیه صرف تمام قوا ز همت تاریخ انجراح مستدعیات دولت خواهانه ریارت و الحمد لله تعالی وحتت حاصه از تمام موحیات تفریق و استیصال را رفع و همواره دوام نام و تسدید دات شاهانه را بانجراح مواهید ملوکاه در تحت قبه منوره مسئلت و نتایج حیرت آن را بعون الله تعالی و حسن تأیید پیوسته مترصد و از توجیحات مقدسه حضرت ولی عصر ارواحنا فداء عیدواریم که انشاء الله تعالی سایر شاهزادگان عظام و اسراء عظام را هم در قیام بوظایف دلسوزی و صدق دولت خواهی و اعراض وضع باهنجار سابق و تشیید این اساس دویمه که شایع هر دو مالال مشهور است تأیید فرموده نعمت اتحاد و اتفاق کله را کاملاً عنایت و کسایکه اسم دین داری ما دولتخواهی در موحیات اضحلال دین و دولت و دست دادر مملکت همت گماشته بن عهد در خنده را این شدت ابواب هرج و مرج و اطلاق نفوس و امول و اعراض و اقتتاح نموده بد ارجیالات فاسده منصرف و مأیوس خواهند فرمود، انشاء الله تعالی در خصوص مفسدم الشاهد بری مالا بره العرف

(نجل مرحوم حاج میرزا خلیل)

(الاحقر محمد کاظم الحراسانی)

(الاحقر عبدالله المازدرانی)

در ایجاب هم فرص از لفظ معسد شیخ فصل لله

نوری است

لا یحیة ایست که حجة الاسلام

(آقای محفی ریدت برکاه)

(از اسمهان مرحوم فرموده اند)

(اسم الله الرحمن الرحیم)

(یا ولی الله در کما)

خدمت عموم برادران دین و احلاء رومیان صاحب الله تعالی اسرهم رحمت فزا میشوم که چون اصحاب حل وعقد و علاه کاملین حصوم، علماء اعلام و حصون اسلام مدالله ظلالم بریندی مسلمین و حرانی مملکت را مشاهده نموده اند و حیالات اجاب را مطاع شده اند جهة اصلاح مفاسد و دفع مفسد اجانب و قوه

سلام و مسامحه و خیرخواهی مسلمانان بر حسب توسل
 و التماس - احیاً مدینه حضرت صاحب العصر و الزمان
 علیه السلام - عالی مظهره - اسیس مجلس شورای ملی و
 عمری - سار مالک محروسه و میزان مشروطیت را
 برقرار فرموده اند . و آثار ترقیبات اهالی ایران یوماً
 ووماً ظاهر میشود لهذا بر کافه مسامحن حدفا مران و
 شونان این مراتب حبه جمعاً مراسم اسلامیة لازمهات
 و راعیان و سایر عاها اعلام کل سی و اهتمام را حناً
 و مالاً بدآ و - اناً در تکمیل این مراتب داشته و دارند .
 و در حمایت مشروطیت سلطنت یک سال است کل
 سی و حد و حمایت شده تمام اهل مملکت فدائیان
 هستند حالاً حبه این تکمیلات اهتمام در چدهدب لازم
 است که قدمات عدها بشود

اول تکمیل اتحاد و مقدمات اخوة مابین مسلمین که
 در این موقع که اواب خدعه و مکر اجانب مفتوح شده
 باید تمام مسامحن افاق و موافق و اخوة حقیقه
 داشته باشند که اجاب نتوانند العاه فاق نباشند و در
 - بر مجالس تأکید در مراتب اتحاد و اخوة نموده
 باشند و از ذکر سوء و غیب و تهمت بر مسلمانان
 احتیاب نماید که اتحاد که اسلامیة مبدل باختلاف که
 نشود

و هرکس را محس بیان با خود همراه کنند ، و
 بداند که فاق و اختلاف موجب ضرر بر مسلمین و
 سلط اجاب است و راجع اشکر نعمت است که
 (لئن شکرتم لا زید لکم)

و باید سی در اصلاح احوال و دفع شعب اختلاف
 توه - باشند که
 (اما المؤمنون خوة فاسلحوا بین اخوتکم)
 و محدها در تقویت موازین اسلامیة حاناً و مالاً و حالاً
 سی و کوشش نمایند

(لیكون الدين كله لله)
 و مسامحن حبه خود را در نصره اسلام و حمایت مسامحن
 معمول دارد که (ان نصر و الله ينصرکم) تا آنکه عفا
 آیه کریمه (وکان حناً علینا نصر المؤمنین) مستفیض شوند
 امر دوم آن که در احادیث و تواریخ اسلام تبع
 و تدر و فکر نمایند که از اول اسلام این مسلمانان که
 مقام اخوة و اتحاد باهم داشتند چگونه در حمایت اسلام

کوشیدند و مسامحن حبه خود را جاناً و مالاً و حالاً در
 راه حق مصروف داشتند که این فتوحات عظیمه و
 ركات کثیره بر آنها مرتب شد و آثار عظیمه جسیمة
 آن اهتمامات تا بحال بلکه تا آخر دنیا باقی و برقرار
 است و یوماً فیوماً بر مراتب نوره و ظهورات اسلامیة
 افزوده می شود و کافه اهل ایمان انتظار کمال آن نور را
 دارند که (و لاء منم نوره ولو کره المشرکون)

سوم اینکه هر مطالبی که در ممالک محروسه انجام گرفته
 از ترقیبات علمیه و اطلاعات بر حمایت و اطراف بوده
 ، شیبید مراتب اسلامیة و دفاع و سایر این معاصد طاب
 مدوط محصول علم جنگ است که مقدمه هرکس بر حسب
 مکان و قدرت - سی در تعلیم و تعلیم این علم نموده باشد
 که در وقت لزوم حبه حمایت اسلام و سد نفور مسلمین
 - ضرر و ساهی و حامد باشند

(و یجاهد و یجاهدون فی سبیل الله اموالهم و انفسهم)
 و نامی نمایند مسلمانانیک از ابتداء اسلام مراتب
 علمیه حد و جهد در نصره اسلام نمودند و نصره
 کامله الهیه شامل احوال ایشان شد که (اهد نصرکم
 الله فی مواطن کثیره) و بر شدائد صبر نمودند که
 (و ان یکن منکم مائة صابرة ینالوا ما تبین الایه)
 چهارم آنکه چون اجاب چند سال است ترقیب
 معاملات این رابطه را بلاد محروسه مسامحن پیدا
 نموده ند و البسه و امنه خود را رواج دادند حالا
 را حج و صلاح آست که مسلمانان را بقدر امکان سی
 در ترویج و معاملات در ملبوسات اسلامیة و امنه
 ایرانیه نموده باشند ممها امکان حاجت مسامحن بخارج
 کم شود و این مطلب تدریجی الحصول است باید هرکس
 بر حسب وسع و طاقت خودش در این ترقیبات حسه
 حد و جهد نماید

بجم بر اهالی ممالک محروسه لازم است نوعی سلوک
 و رفتار نمایند که راهی دست خارجه نیفتد وسی کامل
 در امنیت بلاد و خیرخواهی یک دیگر نموده باشند
 که از مفاسد این و از خطرات آسوده باشند

ششم در این زمان متداول شده بعضی از صاحبان
 اغراض فاسده که با یکدیگر عداوت دارند بسا میشود
 به محض کذب و افتراء نسبت استبداد و انکار مجلس
 شورای ملی یا انکار انجمن های سائر بلاد را بدیگری

بر این اعتقاد قسم یاد نمایم که این خبیث خواهان
حریت از دین و مذهب است، و خواهان حریت از
ظلم و ستم، و این از کسانی است طالب ظلم و ستم و
جور و میخواید درازهان ما داخل کنند که این اعتقاد
باطله که مضمون کلمات خبیثه اوست ناشی از مجلس
محترم است، و مجالس را بدنام باید و میل اعلی حضرت
افس شهریاری و علمای اعلام را از مجلس شوری
منصرف باید و مقصد خود که ظلم و جور است برسد
(بر بدون لبطوا بوراثة بافوامهم و یانی الله الا ان یم
بوده ولو کره الکافرون)

(حرره الاحقر عبداة مازدرای)

جواب تلکراف حجج اسلامیه

(نجف اشرف باهالی طهران)

این تلکراف را آقایان حجج اسلام نجف اشرف
دام ظلالم درخانه حضرت حجة الاسلام آقای حاجی
میرزا حسین حاجی میرزا خلیل مدظله جمع و بعد از
مشورت و توجیه آراء در جواب مجلس محترم شورای
ملی بخاره کردند ۲۵ جمادی الاولی (۱۳۲۰)

• • •

طهران مجلس محترم شورای ملی رفع الله قواعدها
تلکراف موحنس نجیم و اصله و از مخالفت مخالفین
با مجالس محترم ملی اسلامی خاطر قاطبه اهل اسلام
ملول گشت، هموم اهل علم و کافه محصلین شریعت
مطهره حضرت حتی مرتبت صلی الله علیه و سلم را
اعلام میدارد، که خداوند متعال گواه است که ما ما
بد دار مرضی جز تقویت اسلام و حفظ دماء مسلمین
و اصلاح امور طامه داریم، علیهذا مجلسی که تأسیس
آن برای رفع ظلم و امانه مظلوم و امر به معروف و
نهی از منکر و تقویت ملت و دولت و ترفیه حال رعیت
و حفظ بیضة اسلام است قطعاً و عقلاً و شرعاً و
عرفاً راجح بلکه واجب است، و مخالف و معاند او
مخالف شرع انور و مجادل با صاحب شریعت است
رحمه و اتق آنکه تا کنون انشاءالله تعالی کسی مخالفت
نکرده و نخواهد کرد، و هرگاه برخلاف این مضمون
کتباً و تلکرافاً نسبت با داده شود کذب محض است،
احضار را صلاح نمیدیده مهلت را اطلاع دهید

الاحقر میرزا حسین مجل للرحوم میرزا خلیل
الاحقر محمدکالم خراسانی الاحقر عبداة المازدرای

تلکراف باغیان شورای اسلامی

نام حجج اسلامیه نجف اشرف

(مد ظلالمهم)

مخبر مسعود حضرت آقایان حجج الاسلام دامت
برکاتهم - احزاء مجالس شورا صورت تلکرافی از آن
حضرات ابراز نموده دایر بر تعجید مجلسیکه اساس آن
بر امر بمحروف و نهی از منکر و رفع ظلم و حفظ
بیضة اسلام و امت و رفاة طامه باشد، فرمایش تلکرافی
عین منصود و داعیان کمال اطاعت از آن داریم -
تلکرافیکه اشاره فرموده بودید هیچ ماقلی حس جبر
عسیرا نتواند انکار کند، بلکه حرف در همین دیودات
است که مجلس شورا دارای تقیص آنها است، مع ذلک
تلکراف مزبور را بر و حوب چنین مجلس حجت گرفته
و عوام بی فهم و سواد را اضلال میکند، استعفا
آنکه توضیح فرمایند، مجلسیکه منشأ سیوع سکران و
رواج کفریات و حسارت مرتدین و ضعف اسلام و
مسامین و هتک حرمة شریعت و شرائع و تأسیس
قواعد حریت در مور دبیه و سب امتیت اولاد
و رفاة عباد و ظلم بر صفا باشد چه حکمی دارد،
تا رفع شبهة عوام شده و وهنی دین اسلام رسد،
الحق ساحت حضرت حجج اسلام اطهر و ارفع از
این است که به باره ملاحظات این فرمایشات فرمایند که
باعث شبهة عوام و سلب عقیدت خواص و وهن خودشان
باشد، حسنات الابوار، سیئات المقربین
فضلاة نوری، احمد الطباطبائی، جعفر سلطان،
احمد اللوسی، محمد حسن، محمد بوری.

حجج اسلامیه ابدا اعتنا به تلکراف خود هرگاه
مشار الهم فرموده، یک گله جواب ندادند باز هم عرض
حفظ نوع و هدایت باغبان حضرت مستطاب آقایان
سیدی نجل جلیل حضرت آية الله آقای آخوند ملا
محمد کالم خراسانی مدظله، که اولین مروج اسلام و
مشید مجلس ملی و شورای اسلامی است، و ابداً این وجود
مقدس را طایع جیب نیک بختیهای ایران و ایتامانگت.

عصم بنده ، یقیناً امر شود ، لایم تا کراف دیل
ر نام آریا تارہ فرماد

تکراف حضرت مستطاب حجة الاسلام

ر ادة خراسانی در جواب تا کراف

ر باضیان شورای اسلامی

تا کرافیکه بسم خارجه بحاره فرموده موجب
مزید آردکی آقاییار حجج لاسلام و آیات الله فی الام
دمت طلالام گردید ، تا کرافیکه مجلس محترم فرموده
بودد یعنی ریسا لالت حکم بوده ، مجرد ابری و
سکر - ار صفری

ملاحظه بینی جا - کلام مشبه کدم - است ، اجبالاً
بعد از آنکه عده از اطام علما که ز هر جهت محل
و توق اند در تطبیق نظامه رفوا این شرعیه مراف
و فصل دایر محفظ قه این اسلام مندرج شده است ، این
اقدامات غیر مفرقه جز یاره ملاحظیات شخصیه غیر
محمول - عمرماه مستدعی که محض حفظ مقام خودتان
و بوع علما و شرع انور زیاده بر این رخصد مجلس محترم
اقدام فرموده ، آنچه هم شده ندارک فرمائید تا بجای
منتهی شود نه لا محاله بعض احکام - همت از این ناحیه
مقدمه شرف صدور باید

(مهدی بن حجة الاسلام خراسانی)

صورت تا کراف حجة الاسلام حاجی

میرزا حسین حاجی میرزا خلیل شاه

داعی و قی بر حسب تکلیف لازم است هر مقدور
در تقویت دولت امدت و تشدید مات و زید ، حال رعایت
و حفظ حدود سلطنت بذل مجاهد نماید ، و خداوند
متعال گواه است که عرضی هم جز مراتب معروضه
ندارم ، در این صورت خلوصاً و بصحاً مسائت مینمایم
نه روح مرح و مرج و اختلاف که را محسن سلامت
و نظم ر رأفت عموم رعیت فرموده ، تا این احاطه
سکندر حفظ بیضه اسلام و مسلمین را که در شرف
انهدام و انهدام است اهم مهیات دانسته ، ما مجلس شورای
محترم ملی که جامع جهات معروضه است کمال مساعدت
و موافقت را به فرمائید ، تا قاطبه عباد آسوده و امن
و مزید دعا گوئی داعی صمیمی گردد -

الداعی حاجی میرزا حسین نجل المرحوم میرزا خلیل

تکراف طهرانی به نجف اشرف

خدمت دی شرهات حجج الاسلام طهرانی -
خراسانی - مارندرای ، دام ظلالهم مهاجرت بحضرت
عبد العظیم بعد از ختم نظارت علماء و تطبیق
نظامنامه با قواعد شرعیه رای مجز تحریک دولت بر
ضمحلل اساس بیضه اسلام و منصودی جز اراده
غلو و فساد نیست

ار علماء داراطلاله اقدامات لازمه در اتفاق کله
شده ، چون مقصد مطلب دیگر است تأثیر نکرد ، و
گر فی الجمله ضعیفی در اساس مجلس پیدا شود ، مخالفین
منجری بر سفک دعاه مسامین و کلیه هوذ مزید و مقاصد
دول اجاب خواهد بود

(الاحقر حفر الموروی شیرازی)

(الاحقر محمد حسین زدی)

جواب تا کراف حجج اسلام

از نجف اشرف دام ظلالهم

حنابان مستطابان ، ملاذی الامام آقای آقا سید حفر
شیرازی و آقای آقا شیخ حسین زدی سامها الله تعالی
تا کراف شریف واصل ، محمد مجلس متکمل بانظام
امور مسامین و اعلاء کله حقه اسلامیه و قطع ابادی
خارجه و موجب تقویت دولت و ملت و اجراء احکام
شرعیه و حدود و امر به معروف و نهی از منکر و عدم
تمدی از حدود الهیه و رفع ظلم که سالها آرزو و فنی
داشتیم بر باد ، و بر حصول این فنی و موهبت غیبیه
شاگر و مسروریم ، و کان نمیرفت احدی از مسلمین
و متدینین مدارس و مخاصم شود ، خصوصاً بعد از
تطبیق نظامنامه بر قراین شرعیه و ضم فصل ادی بر
این امر که مجال هیچ تشنت و حای سخن بی فرضاه
باقی مانده ، در هر صورت بر عموم مسلمین اهتمام در
امر چنین مجلس محترمی واجب و امراض از وسوس
و شبهات واهیة مطبوعه مخالفین لازم ، و مها امکان
قاطبه اهل اسلام از دفع مخالف که جز امراض شخصیه
و اماره فتنه منصودی ندارند غفلت نمایند ، انشاء الله تعالی

(الاحقر نجل المرحوم الحاج میرزا خلیل

قدس سره ، محمد حسین)

(الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی القروی)

(الاحقر عبده المازندرانی القروی)

سؤال از حجج اسلامیه

و نجف اشرف ادام الله برکاتهم

حجج الاسلاما - چه میفرمائید در باب مجلس شورای ملی که فعلاً منعقد در طهران و سب آن در بلاد دیگر نیز برپاست، آنچه در حضرت مستطاب عالی در باب مجلس مسطور مکشف و حکم فرموده‌اید مرقوم و مزین مخاتم مبارک فرمائید که عندالرحمه حججه باشد

جواب حجج اسلامیه نجف اشرف

(ادام الله برکاتهم)

بسم الله تعالی - کراراً حوثاً و ستهلاً کتباً و تلکرافاً مرض شد که این مجلس شوریه ملی فعلی چون مبنای آن بر دفع ظلم و تعدیات و بی از مکر است عقل و شرع مطابق است بر حسن و لزوم موافقت و تقویت آن بر هیچ عاقل و متدی جائز نیست مخالفت آن (حرره الاحقر عبدالله الماربدی)

بسمه تعالی

کراراً و مراً نوشته و گفته و تلکراف عوده م که چنین مجلس محترمی که تأسیس او و مبنای او بر دفع ظلم و تعدی و تقویت دولت و مات و حفظ بیضه اسلام و بی از منکر و امر معروف باشد، البته اتباعش لازم و هیچ عاقل و متشرعی نباید تشکیک در این معنی کند و هر که غیر این را با اسبت بدعت کذب و ابراست

(الاحقر مجل للرحوم الحاج میرزا خلیل

قدس سره محمد حسین)

بسم الله الرحمن الرحیم

کراراً از بلاد از مجلس محترم شوراییه ملی کتباً و تلکرافاً سؤال شده جواب کتباً و تلکرافاً احقر داده‌ام که مجلس محترم ملی که فعلاً منعقد است در طهران و سایر بلدان ایران چون بنای مجلس محمدانه بر امر معروف و جلوگیری از ظلم حکام و ردع از سایر منکرات است موافقت آن لازم و مخالفت آن حرام است (حرره الاحقر الطیب محمد کاظم الخراسانی)

تلکراف حججه الاسلام راده خراسان

(از مشهد به نجف)

جناب مستطاب ظهر الاسلام آقای آقا میرزا مهدی

حججه الاسلام رده خراسانی دم علاء - نعمه خدایت دوایب با مجلس مقدس باسندتای عموم مات جمیع ادارات دواتی بحکم انجمن محترم مسدود و معطل - اهالی از علما و غیره به سات تشدید و ایساده کی در دارند، از اقدامات نجف اشرف مشروحا تفصیلات فرماید محمد النجفی

جواب مشهد از نجف

جناب مستطاب نفعه لاسلام آقا میرزا محمد عتبه محیی دامت برکاته، تلکراف شریف رسید، غیرت کامیه علماء و اهالی خراسان موجب کمال رضامندی آقایان حجج اسلام دامت برکاتهم شد، و سب که خسار موخه رسید اقدامات لازم فرموده شد، الحمد لله بشارت دفع اغشاشات رسیده و انشاء الله تعالی اعیان حضرت همایون نمود و موثیق ملوکه رسیده اساس قویم مشروطیت و قاف، و ریاده برین دولت و دولت و تفرق گله را روا نخواهند فرمود مهدی خراسانی

تلکرافات داخله ایران از رشید بقصر

(۱۶ زبده)

حضور مبارک حججه الاسلام آقای حسی میر حسین، و آقای خراسانی، و آقای ماربدی دامت اقصاتهم، اعلی حضرت طالب عهد مشروطه عوده، علای طهران و انیسای خمس مدرس محصور، و عده مقتولین غیر معلوم، مرض و عس و اموال در معرض تلف فکری همه مات برت فرمائید، و هر قسم رای قرار گیرد، در مطب مراتب نمایند مطاع ولادم الاتباع - عمده نمایان رشت حاجی خمی - اطام جمه - اه شیخ علی - حاجی شیخ علی

تلکراف کرمان به نجف

حضور حجج الاسلام دامت نایداتهم، محمد علی میرزا صراحتاً رصد مسلمین و اسلام و مخالفت باقرآن مجید که به راهی مشروطیت یاد داده رحله، و برادران طارا هدف تیر ساخته، ما مسلمانان بران اورا از سلطنت خلع و منتظر اقدامات خاصه و مصالحت موالی خود هستیم هموم علای کرمان (داعی شیخ علی داعی میرزا اسماعیل - داعی سید علی - داعی میرزا محمد)